فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی – دانشکده علوم انسانی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج –سال چهاردهم / شماره ۵۰/ بهار ۱۴۰۱

جلوه های نوآوری در شعر ایرج میرزا

نیوشا دوراندیش[۱]
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایران
عصمت خوینی قزلجه[۲]
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران. ایران

تاریخ دریافت:۱۴۰۰/۳/۷ تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۱۱/۲۳

چکیده

ادبیات ایران در دوران مشروطه با تحولی اساسی مواجه شد که از آن به عنوان انقلاب ادبی یاد می شود.شعر فارسی نیز با فاصله گرفتن از سنت ها و قواعد کلاسیک خود، در مسیر تجدد و نوگرایی حرکت کرد.ایرج میرزا یکی از شاعران بسیار تاثیرگذار این دوره است.شعر او در این مقطع، هم از نظر محتوا و هم از نظر ساختارهای فرمی و زبانی دگرگون می شود.آثار او علاوه بر پذیرش درون مایه های نوین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، دربردارنده ویژگی های زبانی جدید و آرایه های ادبی

۱ . niusha۷۱@gmail.com
۲ . e.khoeini@yahoo.com

تازه و خلاقانه است. مهمترین و بیشترین نوآوری های ایرج میرزا در زبان شعر اوست ؛ او به انعکاس دقیق زبان عامیانه عصر و همچنین لغات جدید فارسی و فرنگی در شعر خود پرداخته است که تا پیش از آن در شعر فارسی بسیار کم سابقه بوده است. حجم نوگرایی ها و ابداعات زبانی و ادبی ایرج به قدری وسیع است که می توان او را از این نظر نوآورترین شاعر مشروطه دانست.

مقاله حاضر با رویکرد سبک شناسی فرم محور(فرمالیستی)، به بررسی جنبه های نوآوری و خلاقیت در شعر ایرج میرزا می پردازد ؛ نخست مهمترین جلوه های نوگرایی در زبان اشعار او رابه تفصیل مورد بررسی قرار داده ، سپس محتوای جدید و صنایع ادبی تازه شعر وی را با نگاهی گذرا شناسایی و معرفی می کند .

کلیدواژه ها:زبان،محتوا،نوآوری،شعر مشروطه،ایرج میرزا

مقدمه

در دوران مشروطه یک جریان تجددخواهی وسیع و کلی در تمام ساحت های فرمی و معنایی ادبیات ایجاد شد.شعر مشروطه سرآغاز شعر مدرن و تحول یافته فارسی است؛به تعبیری دیگر سرآغاز به چالش کشیدن و یا شکستن بسیاری از سنت های ادبی و قواعد کهنی است که به مدت هزار سال بر شعر فارسی حکومت می کردند.

«پس از آشنایی شاعران با تحولات ادبی اروپا و کشورهای همسایه،امکان نگریستن از بیرون به سنت و مقایسه آن با سنت ها و نوآوری های دیگران و در نتیجه مقدمات خروج از برخی سنت های ادبی فراهم شد»(امین پور، ۱۳۹۰: ۹-۲۹۸)

این انقلاب نخست در جهان‌بینی و محتوای شعر حادث شد و بعد به کلمات،ساختارهای ادبی و قالب ها رسید. محتوای شعر فارسی در این دوره از ذهنیت،معناگرایی و آرمان‌نگری های دور و دراز ، به سوی عینیت،واقع‌نگری و روزمرگی حرکت کرد.اصلی ترین عواملی که مضامین شعر را در زمان مشروطه متحول کرد؛عبارت بود ازدگرگونی های عمیق سیاسی و اجتماعی و گرایش به فرهنگ و تمدن غرب که پیامد ترجمه های فراوان آثار ادبی فرنگی بود.ادبیات و شعر ایران در زمان مشروطه رسالتی انقلابی و اجتماعی پیدا کرد و شعار بیداری

می داد؛ پس لازم بود تا به میان توده مردم برود و با آن ها ارتباط برقرار کند.ازاین رو، زبان فخیم و کهنه شعر که به مدت هزار سال واژه های خاصی را در خود پذیرفته بود؛دچار گسست شد و حجم زیادی از کلمات کوچه-بازاری و عامیانه را پذیرا گشت.با این حال استفاده از این زبان جدید،به اراده و انتخاب شخصی شاعران وابسته بود.گروهی نظیر ملک الشعرای بهار و پروین اعتصامی به دلیل خاستگاه سنتی و پیوند عمیق با سنت های شعر فارسی با عناصر تجدد محتاطانه تر برخورد کردند و در مقابل، عده ای چون عشقی و نسیم شمال که از طبقه عوام بودند؛ در شعر خودگرایش بیشتری به نوآوری و تجدد نشان دادند.

شاعرانی مثل ایرج میرزا و دهخدا نیز با اینکه به طبقه سنت گرایان نزدیک تر بودند؛در اواخر فعالیت ادبی خود با میل و هدف مشخصی به لحن وکلام ساده و مردمی گراییدند. هر یک از شاعران نامدار و حتی گمنام پس از مشروطه،به سهم خود در شعر جدید اثرگذار بوده اند و هر کدام با نوآوری هایشان،در جهت هدایت شعر ایران به سوی تجددو تحول ساختاری و معنایی گام هایی برداشته اند؛از بهار، ایرج میرزا، پروین، عارف قزوینی، نسیم شمال، دهخدا و فرخی یزدی گرفته تا کسانی چون عشقی، رفعت و در نهایت نیما که خواستار تحول فرم و بازنگری در قافیه وقالب های شعر بودند.در این میان نقش برخی از شاعران در زمینه نوآوری فرم و محتوای شعر شاخص تر است و نیاز به بررسی و تامل بیشتری دارد که ایرج میرزا یکی ازآن هاست.

پیشینه تحقیق

یحیی آرین پور در جلد دوم مجموعه *از صبا تا نیما*، شاعران عصر مشروطه را معرفی می کند و ویژگی های شعر آن ها را شرح می دهد.حدود سی صفحه از این کتاب(صفحات ۴۱۸-۳۸۴)به شرح زندگی و معرفی آثار ایرج میرزا اختصاص یافته که در آن به تجددجویی ایرج نیز اشاره شده است.آرین پور در زمره نخستین کسانی است که به صورت اجمالی به تحلیل سبک ایرج میرزا و نوگرایی هایی ادبی اش پرداخته؛اگرچه بیشتر به مضامین متجددانه

آثار او توجه داشته و از دریافت خصایص زبان نوآورانه و تکنیک های ادبی ایرج بازمانده است (آرین پور، یحیی،۱۳۸۷، از صبا تا نیما،جلد دوم ، چاپ نهم،تهران: زوار)

احمد کریمی حکاک در کتاب *طلیعه تجدد در شعر فارسی*، مفهوم تجدد و مدرنیسم در شعر ایران پس از مشروطه را بررسی کرده و اقتباس ادبی شاعران مشروطه از اشعار اروپایی را یکی از دستاوردهای این تجدد می داند.او در صفحات ۲۹۹-۲۸۴ با مثال زدن قطعه*قلب مادر*ایرج میرزا، به نقش حائز اهمیت این شاعر در اقتباس و بومی ساختن اشعار اروپایی می پردازد که قطعا یکی از تاثیرات تحول ادبی و باز شدن دریچه ارتباطات فرهنگی میان شعر فارسی و شعر غرب است(کریمی حکاک،احمد،۱۳۹۴، ترجمه مسعود جعفری، طلیعه تجدد در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران:مروارید)

قیصر امین پور در فصل دوازدهم کتاب *سنت و نوآوری در شعر معاصر*(صفحات۳۲۵-۳۲۳)،نگاهی بسیار گذرا و اجمالی به نوآوری های شعری ایرج میرزا داشته است.

این نگاه عمدتا برآمده از تحلیل ها و جمع بندی های ادیبان پیشین است و یافته های جدید و قابل توجهی درباره نوآوری های ایرج میرزا ارائه نکرده است(امین پور،قیصر،۱۳۹۰،سنت و نوآوری در شعر معاصر، چاپ چهارم،تهران:علمی و فرهنگی)

علی دهباشی در کتاب *سیری در آثار و زندگی ایرج میرزا*، مجموعه مهمترین مقالاتی را که در مورد ایرج میرزا در نشریه های مهم ادبی به چاپ رسیده؛ جمع‌آوری کرده است(دهباشی،علی،۱۳۸۷،سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا،چاپ اول،تهران:اختران)

سهیلا صارمی در مقاله ای با عنوان ((کارکرد زبان در شعر ایرج میرزا))به ویژگی های مهم زبانی و شگردهای کلامی و کاربرد نوآورانه کلمات، مصادر و افعال در شعر ایرج پرداخته است.

این مقاله خواننده را به صورت مفید و اجمالی با عناصر سنتی و جدید زبان شعر ایرج آشنا می کند و صرف و نحو اشعار او را در هر دو دوره سنت گرایی و تجدد برای مخاطب نمایان

می سازد.(صارمی،سهیلا.۱۳۸۶.«*کارکرد زبان در شعرایرج میرزا*».*زبان و زبان شناسی*.دوره سوم.شماره ۶.ص ۸۳-۱۰۲)

احمد خاتمی و زهرا اسفندیاری پوردر مقاله ((میزان و چگونگی کاربرد اصطلاحات عامیانه و کنایات در شعر دوره قاجار)) به برخی از عناصر جدید زبانی و ادبی شعر ایرج اشاره کرده اند. این مقاله به طور کلی چگونگی ظهور زبان عامیانه در شعر فارسی اواخر عصر قاجار را توصیف می کند و با رسم چند نمودار، پر بسامدترین و شاخص ترین واژه های فولکلور و عامیانه را در آثار شاعران این زمان از جمله ایرج میرزا نشان می دهد.(اسفندیاری پور،زهرا؛خاتمی، احمد.۱۳۹۷.«*میزان و چگونگی استفاده از اصطلاحات عامیانه و کنایات در شعر دوره قاجار(با تکیه بر ایرج میرزا)*».ادبیات و زبان ها:سبک شناسی نظم و نثر فارسی.شماره ۴۰.ص ۶۵-۸۶)

عارف کمرپشتی و مریم سلیمان پور نیز در مقاله ای مولفه های زبان عامیانه مثنوی زهره و منوچهر ایرج میرزا را در چهار سطح واژگان،اصطلاحات، کنایه هاو ضرب المثل ها بررسی کرده اند و به عناصر عامیانه زبان ایرج اشاراتی داشته اند. (کمرپشتی،عارف؛سلیمان پور،مریم.۱۳۹۶.«*مولفه های زبان عامه در منظومه های زهره و منوچهر و ایرج و هوبره*».دوماهانه فرهنگ و ادبیات عامه.سال ۵.شماره ۱۸.ص ۲۰۷-۲۳۲)

۱.نوآوری در شعر

پیش از ورود به بحث اصلی، باید به ارائه شرح مختصری از مفهوم نوآوری و نوآوری در شعر و ادبیات پرداخت.

نوآوری به هر گونه ابداع و خلاقیت می گویند؛یعنی پدیدآوردن چیزی تازه تر و جدیدتر.«نیازها و آرزوهای انسانی موجد بدعت ها و خواستار نوآوری هاست تا نظام ذهنی و ساخت اجتماعی به نحوی که انسان ها می پندارند و می طلبند دگرگون شود یا تعدیل یابد»(مختاری،۱۳۷۹:۳۸)اساس نوآوری، احساس نیاز و میل به تغییر و تحول است. «اگر خلاقیت و ابداع هنرمند آگاهانه باشد؛ راهی خلاف راه هنرمندان پیشین در پیش می

گیرد.هنرمند سنت را از صافی نبوغ ویژه خویش عبور می دهد و اثری خلق می کند که کاملا نو است»(باستید،۱۳۷۴:۱۳۰)

حال باید دید نوآوری و تحول در زمینه مورد بحث ما یعنی شعر چگونه رخ می دهد و مقصود از نوآوری در شعر چیست؟

در تحلیل هر اثر ادبی، باید آن را به دو بخش کلی محتوا و فرم تقسیم کرد. تغییر و نوگرایی آثار ادبی گاه در معنا و محتوای آن ها و گاه در فرم و صورت ظاهری شان رخ می دهد. معنا و محتوا همان لایه درونی یک شعر یا مضمون اصلی و پیام نهایی آن است.فرم یا صورت بیرونی شعر شامل زبان یعنی کلمات و واژه ها(دلالت های اولیه)و سپس صور خیال یعنی مجازها، استعاره ها و کنایه هاست(دلالت های ثانویه)بخش بسیار مهمی از ابداعات و نوآوری هادر فرم یک شعر از رهگذر زبان آن رخ می دهد و در یک قرن اخیر بسیاری از مکاتب و نظریات معاصر ادبی، برای تبیین تحولات اشعار به بررسی زبان آن ها پرداخته اند.«یک ضرورت هنری شاعران را بر آن می دارد تا برای به بیان درآوردن آنچه که خود دیده و تجربه کرده اند، به خلق و آفرینش ترکیب های تازه روی آورند. با یافتن ترکیبات تازه هر شاعر، می توان به شگردها و برجسته ترین ویژگی های ذهنی و فرهنگی-هنری او پی برد»(آجودانی،۱۳۸۱: ۲۰۰-۱۹۹)

تغییرات زبانی و محتوایی شعر، بر شکل و نوع صور خیال آن نیز تاثیر می گذارد.«در سبک هر دوره اشکال خاصی است که جهان بینی آن دوره را بیان می کند. در مورد اشکال اساسی مانند استعاره،هر دوره شیوه استعاره سازی خود را دارد»(ولک و وارن،۱۳۹۰: ۲۲۲)

اگرچه شاعران مشروطه بیشتر اهتمام و انگیزه خود را نخست برای پیام و محتوای شعر و در درجه بعد برای زبان و واژگان آن صرف می کردند؛ امااز رهگذر دگرگونی زبان و مضمون شعر، آرایه های ادبی و عناصر شاعرانه نیز به طور طبیعی دچار تغییراتی شد.«جامعه معاصر ایران شاهد بسیاری از پدیده های تازه و پیشامدهای نوظهور است و پدیدار شدن هر کدام از این مسائل تازه، صور تازه ای از خیال را نیز پدید آورده است»(حسن لی،۱۳۹۶: ۸-

۲۸۷)علاوه بر این ، سهم خلاقیت فردی شاعران را نیز نباید نادیده گرفت.هر گاه که شاعر بتواند از تصاویر پرکاربرد و تشبیهات کلیشه ای فاصله بگیرد و دید جدیدی نسبت به اشیا و رخدادهای محیط پیرامون خود پیدا کند؛ می تواند به صور خیال تازه ای دست یابد.در عصر مشروطه نیز برخی شاعران نظیر میرزاده عشقی و تا حدودی هم ایرج میرزا در زمینه عناصر خیال و آرایه ابداعاتی داشته اند.

نوآوری وابداع می تواند در هر سه ساحت زبانی، محتوایی و ادبی شعر بروز کند.بنابراین برای بررسی دقیق نوآوری در شعر یک شاعر، باید به سه حوزه اصلی توجه داشت: زبان، مضمون و عناصر ادبی.شعر ایران در عصر مشروطه در تمام این ابعاد دچار تحول شد.بخش بزرگی از تحولات شعر این دوره مربوط به محتوا و مضامین جدید سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و یک نقطه مشترک در میان اکثر شاعران است؛ در حالی که تحولات زبانی و ساختاری در مرحله دوم و پس از دگرگونی محتوا روی داده است.دغدغه اصلی بیشتر شاعران مشروطه، مضمون و کارکرد سیاسی-اجتماعی شعر است و زبان و ساختار شعر برای آن ها اولویت ثانویه را دارد.از همین رو توجه به نقش شاعرانی که به نوآوری در زبان و فرم شعر خود توجه کرده و در این حوزه دست به ابداع و آفرینش زده اند؛ اهمیت ویژه ای می یابد. یکی از این شاعران ایرج میرزاست که به رغم تجددخواهی پرشور اجتماعی و فرهنگی و تمایل فراوان به تغییرات فرهنگی و مدرن شدن اجتماع، از تغییر و تحول در زبان شعر نیز غافل نشده و سهم قابل توجهی از سنت شکنی و نوگرایی زبانی شعر مشروطه را به خود اختصاص داده است.

یکی از مهمترین وجوه تمایز ایرج میرزا با شاعران هم دوره خویش در عرصه **زبان** است.برخلاف تصورات رایج و جاری در میان سبک شناسان که ایرج را شاعری سنت گرا همچون ملک الشعرای بهار و پروین اعتصامی می دانند که تنها مضمون شعرش جدید و امروزی شده و زبانش کهنه مانده است؛ اتفاقا او در ساحت زبان دست به ابداعات گسترده ای زده و نقش پررنگی در تحول زبان شعر مشروطه داشته است. توانایی ها و تاثیرات خاص و

ویژه ایرج در زمینه زبان و فرم شعر تا به امروز دست کم گرفته شده و به شکل کافی به آن پرداخته نشده است.

به همین دلیل این مقاله اگرچه خلاقیت و تحول شعر ایرج را در هر سه زمینه مذکور بررسی می کند؛ اما بیشترین تاکید و تفصیل را متوجه زبان شعر او کرده تا به نگرش تازه و متفاوتی در خصوص نوآوری های شعر ایرج میرزا برسد و تجددخواهی او در فرم و زبان شعر را بهتر شناسایی کند.

محمود فتوحی در کتاب *سبک شناسی:نظریه ها،رویکردها و روش ها*پس از معرفی انواع مکاتب و رویکردهای مهم سبک شناسی ، به بیان شیوه ی عملکرد هر یک در تحلیل آثار ادبی می پردازد ؛ یکی از آن ها رویکرد زبان- شناسانه و فرمالیستی است.«فرض بر این است که سبک عبارت است از ((شیوه های مشابه برای بیان یک محتوای واحد)).این روش معمولا سبک را به منزله ((گزینشی قالبی)) در نظر می گیرد و در تحلیل، بر مشخصه هایی از قبیل نوع واژگان نویسنده و سلسله مراتب تمهیداتی که برای آرایش محتوای ادبی به کار می روند؛ تاکید دارد»(فتوحی،۱۳۹۰: ۱۲۷)«در دوران فرمالیسم، سبک شناسی به زبان شناسی و بوطیقای ادبی توجه داشت و بر زبان شعر،ادبیت و عوامل صوری و زبانی آن بیشتر تمرکز می کرد»(همان:۱۴۴)

تلاش مقاله پیش رو بر این است که در تحلیل نوآوری های زبانی ایرج میرزا تا حد امکان از روش های فرمالیستی و صورت گرایانه استفاده شود و مهمترین عناصر و اجزای زبان شعر او با نگاهی دقیق و جزئی نگرانه مورد تامل قرار گیرد.

۲.شرحی کوتاه از زندگی ایرج میرزا

تولد ایرج میرزا در یک خانواده سلطنتی قاجار و در ماه رمضان سال ۱۲۹۱ هجری قمری(۱۲۵۳ شمسی)بوده است.ایرج میرزا از همان کودکی تحت تعلیم پدرش،ادبیات فارسی،زبان عربی و اصول فقه را آموخت و مدتی بعد به دارالفنون تبریز فرستاده شد و آنجا زبان فرانسه را فراگرفت.ایرج به واسطه زندگی در آذربایجان به زبان ترکی نیز تسلط

داشت.امیر نظام گروسی از افرادی ست که در تربیت و شکوفایی استعدادهای ایرج نقش داشت.

«امیر نظام وی را با پسرش همدرس کرد.در سن چهارده سالگی شعر نیکو می گفت و امیرنظام مخصوصاً وی را به گفتن اشعار امر می کرد و صله و جایزه می داد»(محجوب،۱۳۵۶،مقدمه:۱۷)«ایرج در مقابل پدرش فخرالشعرا لقب گرفت و بدین لقب نیز که به اهتمام امیر نظام گروسی به او داده شده بود؛چندان رغبتی نداشت»(همان:۹)

همان طور که در کتاب های تذکره یاد شده است، ایرج به عنوان شاعر رسمی دربار قاجار برگزیده شد ، امااز پذیرش این منصب و لقب سر باز زد ؛ زیرا که این حرفه واین نوع شعر به مذاق وی خوش نمی آمد.

«ظاهرا تا اواسط عمر کمتر شعر گفته و اشعار او منحصر به همان قصاید سلام و اعیاد یا عبارت از اشعاری بوده که جنبه تفنن و مزاح و شوخی دوستانه داشته؛تا مدت ها در محافل تهران کمتر نامی از او برده شده است»(آرین پور،۱۳۸۷،جلد دوم:۳۹۱)

زندگی این شاعر مانند اجتماع حاضر او، دستخوش فراز و فرودهای فراوان شد.او در سال های پایانی عمر خود که در پایتخت به سر می برد؛از مشاغل دولتی منفصل شده بود و با سختی و تنگدستی روزگار می گذراند.ایرج میرزا سرانجام درتاریخ ۲۲ اسفند ۱۳۰۴ شمسیبر اثر سکته قلبی در تهران بدرود حیات گفت.

او حدود چهارهزاربیت شعر در قالب های قصیده،غزل،قطعه و مثنوی بر جای گذاشته است.«بیشتر حجم دیوان ایرج را مثنوی ها و قطعه ها در بردارند و بهترین کارهای او که سبک ویژه اش را می نمایانند، در همین قالب ها سروده شده اند.قصاید و غزلیات او بیشتر در همان حال و هوای سنتی(مدح،مرثیه،تهنیت و تسلیت)است.یکی دو تجربه هم در قالب های به اصطلاح جدید آن روزگار دارد»(امین پور،۱۳۹۰:۳۲۴)

در نگاهی کلی، باید شعر ایرج میرزا را به دو دوره تقسیم کرد:

۱- دوره نخست:اشعار ابتدایی او شامل قصیده های مدحی و اشعار مناسبتی و برخی غزل های غنایی و عاشقانه است.زمان سرودن این اشعار، برابر با دوران جوانی و حضور ایرج میرزا در مشاغل درباری و امرار معاش او از طریق شاعری و منشی گری بوده است.

۲- دوره دوم:تمام اشعار ارزنده ایرج میرزا که در شعر جدید ایران تاثیر گذاشته و در اذهان مردم ماندگار شده اند؛ به بخش دوم حیات و زندگی ادبی این شاعر (ده سال پایانی عمر وی)تعلق دارند.در این دوره شعر ایرج به مرحله کمال و پختگی می رسد و بر اثر تحولات وسیع محتوایی،رنگ اجتماعی و انتقادی به خود می گیرد.طنز،زبان محاوره و مردمی و روانی و سادگی که از مختصات سبکی و اختصاصی شعر اوست؛ به همین دوره مربوط می شود.در این مقطع علاوه بر مضامین،فرم و صورت شعر او نیز با تغییرات نسبی و تدریجی مواجه می شود.قالب های منتخب وی مثنوی و قطعه هستند. دو مثنوی مهم عارفنامه و زهره و منوچهر در این زمان پدید آمده اند.

۳.عوامل تحول و حرکت شعر ایرج به سوی تجدد و نوآوری

نخستین تحولات شعر مشروطه، تغییرات محتوایی بود و سپس تغییرات لفظی و ظاهری؛ این امر در میان اغلب شاعران مشروطه به ویژه ایرج میرزا عمومیت داشت.شعر ایرج در این دوره هم از لحاظ محتوا و جهان‌بینی و هم از نظر زبان و اسلوب دچار تغییرات اساسی شد که می توان آن را به یک انقلاب ادبی تعبیر کرد.ایرج اگرچه خود از طبقه اشراف بود؛ اما در نیمه دوم فعالیت ادبی خود همسو با تغییر نگرش های زمانه، دیگر برای شعر ماهیت صرفا هنری و اشرافی قائل نشد.در این مرحله، تمایل ایرج به تاثیرگذاری شعرش بر خواننده و یا همان مخاطب‌گرایی ویژه او نکته ای بسیار ارزنده است.او در زمان میانسالی و پس از تجربه چندین شغل دولتی و معاشرت با نامداران ادبی معاصر خود، تجربیات قابل توجهی در مورد سیاست و مسائل روز جامعه کسب کرده و به جهان‌بینی نسبتا مدرنی دست یافت که این مسئله او را تا حد زیادی به سوی تجددخواهی و دگرگونی محتوای آثارش هدایت کرد.ایرج علاوه بر اینکه ضرورت تحول مضامین شعر و سخن گفتن از چالش های جدید زمان را دریافته بود؛

قصد داشت دایره مخاطبان شعرش را وسعت ببخشد و به محبوبیت عمومی بیشتری دست یابد.از همین رو، زبان مردم کوچه و بازار را برگزید و با افتخار اعلام کرد که بر خلاف فصاحت در چندین زبان، به عامیانه ترین شکل ممکن شعر می گوید و این یک انتخاب عمدی و هدفمند است:

گرچه در پنج زبان افصح ناسم دانند/به علی من کرتم شیوه گفتار کنم(قصاید:۶۷۹)

شاید تغییر شرایط مادی ایرج و فقر نسبی او در میانه و اواخر زندگی ، یکی دیگر از عوامل بیرونی در نزدیک شدن زبان او به قشر عوام و مخاطب قرار دادن آن ها باشد.فهمیه اسدی در مقاله((دلایل اجتماعی گرایش ایرج میرزا به ادب غنایی))، بی‌علاقگی او به شعارهای انقلابی را ناشی از رده و طبقه اجتماعی اش می داند و فروپاشی و گسست در همین طبقه اشرافی را از علت های تغییر ماهیت شعر او عنوان می کند:«شعر ایرج به تبع شرایط بحرانی جامعه و به اقتضای سیر تحول و دگرگونی سریع طبقات، دستخوش تحول در فرم و محتوا شده و اشعار دوره اول و دوم زندگی او همسان نیست.در اشعار دوره دوم نیز هر قدر به سقوط قاجار و اواخر عمر خود نزدیک می شود؛ تحولات در زبان و ساختار شعرش بیشتر به چشم می خورد»(اسدی،۱۳۹۴:۴۱)

ویژگی های شخصیتی ایرج نیز یکی از عوامل موثر در تحول شعر اوست.وی شخصیتی طناز و جسور داشت و همین امر گاهی او را به شکستن ساحت های محترمانه فرهنگ و زبان در شعر وا می داشت.یکی از صفات برجسته ایرج،صراحت بیان اوست که عامل سنت‌شکنی های بسیاری در محتوای شعرش شده است.او در این زمینه تا حدودی به عشقی شباهت دارد.ایرج در نوجوانی تحت تعلیم امیر نظام گروسی، یکی از پیروان نثر خلاقانه مقام و حاج فرهاد میرزا قرار داشت.بنابراین همراه با آموزش هایی که ذهن او را با هنجارهای کهن ادبیات سازگار می کرد؛ از این نوع خلاقیت ها و تنوع‌طلبی ها نیز وام گرفت.با این حال تاثیر آن ها نه در همان آغاز شاعری، بلکه در دومین دوره کارش نمایان شد.

نادر نادر پور دو عامل اصلی را برای دگرگونی شیوه سخن ایرج عنوان می کند:یکی سبک و سلیقه امیر نظام و دیگری تحولات اجتماعی و فرهنگی انقلاب مشروطیت(نادرپور،۱۳۵۲: ۳۵۲-۶۷)

۴.نوآوری در زبان شعر ایرج میرزا

اصلی‌ترین بُعد نوآوری شعر ایرج میرزا، زبان جدید و تحول‌یافته آن است.شفیعی کدکنی معتقد است:«ایرج عمیقا به ضرورت تجدد در شعر فارسی پی برده و با نوعی نظریه ادبی تدوین ناشده، در جستجوی شکل دادن این تجدد بود و به درستی دریافته بودکه نخستین قدم را باید در حوزه زبان شعر برداشت»(شفیعی، ۱۳۹۰:۳۶۹)

ایرج در دومین دوره فعالیتش،کلمات و افعال کهنه سبک خراسانی و نحو سنتی آن را رها کرد و به انعکاس دقیق زبان عامیانه عصر خود و لغات تازه‌وارد فارسی و فرنگی در شعر خود پرداخت.اشعار ایرج در این دوره، به **نحوی** بسیار روان و نزدیک به گفتار روزمره دست پیدا می کند.زبان ایرج در اشعار دوره کمال خود، دارای ابعاد نوآورانه بسیار و مملو از سنت‌شکنی و عدول از هنجارهای تثبیت‌شده شعر فارسی است.این زبان که تجسم عینی از زبان زنده و طبیعی آن روزگار بوده؛ به سرمشق شاعران نوگرای دهه های بعدی تبدیل می شود.

بیشتر مطالعاتی که درباره شعر ایرج صورت گرفته؛ بر نوآوری های فکری و فرهنگی او تمرکز دارد و فرم کارهای او را سنتی و یکنواخت می داند؛ این در حالی است که تجددخواهی ایرج در عرصه زبان و کلمات بسیار گسترده است.در واقع آثار او یک چارچوب کلی قراردادی و سنتی دارد؛ اما در درون این مجموعه، جزئیات تازه و بدیع فراوانی دیده می شود که بارزترین آن ها به ساحت زبان و گفتار تعلق دارند.در حالی که بسیاری از شاعران مشروطه اشاعه دادن درون‌مایه ها و افکار جدید را در همان فرم سنتی و از طریق الفاظ کهن پذیرفته بودند(امثال بهار و ادیب الممالک)؛ایرج میرزا از معدود کسانی بود که با جسارت، چارچوب ها و هنجارهای سنتی زبانی را در هم شکست.ایرج برخلاف بهار و

ادیب اللممالک، تنها به مضامین تازه اکتفا نکرد و نوآوری و انقلاب ادبی را به عرصه های صوری و بیرونی شعر فارسی کشاند که نمود اصلی آن در عناصر زبانی است.«در میان شاعران مشروطه، شعر ایرج میرزا از لحاظ کاربرد ویژه زبان و شگردهای کلامی که آگاهانه به آن ها پرداخته است؛ جایگاهی ویژه دارد.وی با جسارتی هنرمندانه هنجارهای رایج در سطوح صرفی، نحوی، واجی، واژگانی و معنایی را در هم می شکند.در بین شاعران این عصر، شعر وی بیش از دیگران به زبان طبیعی نزدیک است»(صارمی،۱۳۸۶:چکیده)

به طور کلی نوآوری و نوگرایی در زبان ایرج، خود به چندین بخش قابل دسته بندی است.این قسمت ها که هر کدام جداگانه تحلیل خواهند شد؛ عبارتند از: ۱-کلمات و اصطلاحات جدید ۲-کلمات کهن با معانی جدید ۳- واژه و ترکیبات ابداعی و خودساخته ۴-کاربرد زبان عامیانه و محاوره ای ۵- روان بودن و سادگی زبان شعر

واژه گزینی در شعر ایرج

نخستین گام در تحلیل زبان یک شاعر ، شناسایی واژ ه های آن است. چگونگی گزینش واژه ها بخش عمده ای از سرشت سبک او را می سازد. فتوحی در کتاب *سبک شناسی* می نویسد:«واژه ها از نظر ویژگی های ساختمانی،گونه های دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوع اند.هر یک از طیف های واژگانی در متن های ادبی و کاربردهای زبانی،زمینه تنوع سبک ها را پدید می آورد»(فتوحی،۱۳۹۰: ۲۴۹)و نیز می نویسد: «برای سبک شناسی،کاربردهای برجسته، معنادار و نقش مند یک نوع واژه یا یک طبقه واژگانی در متن اهمیت دارد»(همان: ۲۵۰)

بنابراین برای قضاوت در باره میزان نوآوری و ابداع در شعر ایرج، نخست به سراغ کلمات آن می رویم و کهنه و نو بودن این کلمات را شناسایی می کنیم.بخش وسیعی از خلاقیت های زبانی شعر ایرج میرزا در انتخاب نوع واژگان آن است.ایرج در دومین دوره شاعری به الفاظی روی می آورد که در بافت شعر کلاسیک و سنتی فارسی جای نمی گیرد و کاملا تازه و امروزی است ؛ اغلب این واژه ها عامیانه و محاوره ای و برآمده از طرز گفتار و کلام

طبقات عامه و توده مردم است.کلمات فرنگی(بیشتر فرانسوی) نیز در شعر او نمود قابل توجهی دارد که در نتیجه ارتباطات وسیع روشنفکران و شاعران ایرانی با زبان های غربی و رفت و آمد به اروپا شکل گرفته است.

« رخداد واحد در زبان، سبک را شکل نمی دهد؛ بلکه شکل گیری سبک مستلزم تکرار و تداوم یک رفتار زبانی در حد عادت است»(همان: ۳۳۷)در عصر مشروطه الفاظ عامیانه و واژه های جدید و فرنگی کمابیش به شعرهر شاعری راه می یابند؛اما بسامد کاربرد این الفاظ در سروده های ایرج به قدری گسترده و پرتکرار است که این نوع نوگرایی های کلامی را به ویژگی شاخص زبان او تبدیل کرده است.بر همین مبنا با تعدادی از شاخص ترین کلمه های جدید ایرج آشنا می شویم:

۴-۱.کلمات و اصطلاحات جدید

مقصود از این کلمات، واژه هایی است که بر اثر شرایط جدید اجتماعی و فرهنگی، در اواخر دوره قاجار در زبان فارسی پدیدار شدند.بخش عمده ای از آن ها، شامل اصطلاحات سیاسی- اداری است که بیشترشان با انقلاب مشروطه ارتباط دارد.این نوع الفاظ سیاسی، در میان اهل فرهنگ و ادب عصر مشروطه، حتی سنت‌گرایانی چون ادیب نیشابوری رایج بود.بعضی از الفاظ جدید شعر ایرج مانند لاستیک، شکلات، تلفن،گاری، پول، درشکه، امپریال، لیره، اسکناس و ... دخیل هستند و ریشه غیر فارسی دارند؛ اما تا آن زمان به قدری در زبان فارسی رواج یافته بودندکه دیگر جزوکلمات فرنگی محسوب نمی شدند.نام اکثر ابزارها و وسایل مدرن و همچنین برخی کلمات مرتبط با زندگی روزمره که کاربردشان در ساحت شعر نسبتا نامعمول است؛ در این دسته قرار می گیرد.

نکته قابل توجه این است که هرگاه ایرج به محتوای جدید و درون‌مایه های تجددخواهانه روی می آورد؛ زبان و واژگان شعرش نیز تازه و نو می شود. بنابراین در اشعار او میان الفاظ و مفاهیم جدید، ارتباط متقابلی وجود دارد.

ایرج در دوره دوم شعر خود که به زبان عامیانه و غیرکلاسیک روی می آورد؛ همچنان از قالب های سنتی قصیده و غزل استفاده می کند.به همین دلیل، برخی از اشعارش که از کلمات جدید عصر برخوردار شده اند؛کمی ناموزون و غیرعادی به نظر می رسند. «از قضا مواردی که به نظر می رسد این گونه کلمات در شعر ایرج خوش ننشسته اند؛ همان مواردی است که قالب شعر غزل یا قصیده بوده است و پیداست که چنین قالب و زبانی، انعطاف لازم و کافی را برای چنین کلماتی نداشته اند»(امین پور، ۱۳۹۰:۳۲۵)

نمونه هایی از شاخص ترین کلمات جدید و امروزی در شعر ایرج:

●نام اشیا و پدیده های جدید

نه**تلگراف** به گردم برسد، نه**تلفن**/که خدا سرعت سیر دگری داده مرا(قصاید:۴)

کیسه را پر کنم از ا**شرفی** و **امپریال**/جای زر خاک به دامان طلبکار کنم(همان:۷۰۲)

به گاه جست و خیز و ژیمناستیک/تو گویی هست اعضاشان ز **لاستیک**(مثنوی ها:۲۹۹)

دست و پا کن که خرید **چمدان** باید کرد/فکر**کالسکه** راه همدان باید کرد(ترکیب بند:۲۴)

●کلمات و عبارات روزمره و نسبتا غیرمتداول در ساحت شعر

انار و **سیب** و **به** و **پرتقال** و **نارنگی**/**کباب بره** خوب و شراب قزوین بود(قصاید:۲۱۰)

چو نیمی از شب بگذشت سفره آوردند/که اندر آن **خورش قیمه** بود و**ته چین** بود(همان:۲۳۸)

نان از این تُردتر و خوب تر و شیرین تر/**نان سنگک** که دگر **پشمک** و **حلوا** نشود(همان:۲۶۸)

یقه ات پاک و**کلاهت** نو و **سردست** تمیز/**عینک** و **دستکش** و **ساعت** و **پوتین** درخور(همان:۴۱۵)

●نام مناطق و اماکن جغرافیایی دوره ایرج

جمعه ها پول درشکه دهمت تا بروی/گه **معینیه**،گهی**شمران**،گه قصر قجر(قصاید:۴۳۵)

من چون تو کچل ندیده ام هیچ/نه در **کن** و **سولقان**، نه در گنگ(همان:۵۴۲)

●اصطلاحات شغلی و اداری

ابتدا گردی **ثبات** و سپس **آرشیویست**/بعد **منشی** شوی و بعد **رییس دفتر**(قصاید:۴۴۶)

تو به **نظمیه** و **مستخدم تامیناتی**/گر خطاکار مرا دانی زین گونه نگاه(همان:۸۸۶)

این**اداره** به غلط **دایره** شد/چون یکی از **شعب سایره** شد(مثنوی ها:۱۱۱۸)

●اصطلاحات سیاسی و اجتماعی

شرط باشد که ز**آزادی** خود دم نزنم/گرچه **مشروطه طلب** باشم و**آزادی خواه**(قصاید:۸۹۳)

چه می فرمود آقای کمالی/**دموکرات، انقلابی، اعتدالی**(مثنوی ها:۳۵۱)

ملک دارای آن مغز سیاسی/که می خندد به **قانون اساسی**(همان:۳۷۸)

حرف نفتی به میان اندازند/در فلک **مجلس شورا** سازند(ابیات پراکنده:۲۳)

●کلمات و واژه های فرنگی

استفاده از کلمات فرنگی، یکی از بارزترین عناصر نوآوری و تحول شعر مشروطه بود که در بین بیشتر شاعران رواج داشت.سروده های عارف، دهخدا، عشقی، فرخی یزدی، نسیم شمال و... انباشته از آن هاست و حتی شاعران سنت‌گرایی چون ادیب الممالک و ملک الشعرا نیز از این نوع لغات بهره فراوانی برده اند.

«ایران در اواسط دوره قاجار به ویژه از زمان صدر اعظمی امیر کبیر، با اروپا روابطی فرهنگی برقرار کرد و این امر به آشنایی ایرانیان با زبان های اروپایی کمک کردکه زبان های آلمانی و فرانسوی از آن جمله بود.از آن پس در آثار شمار زیادی از نویسندگان و شاعران ایرانی، اصطلاحات و کلماتی از زبان های اروپایی به چشم می خورد که در آثار دوره های پیش وجود نداشت»(وحیدا،۸:۱۳۸۸)

تفاوت ایرج میرزا با دیگر شاعران این دوره،کاربردکمتر واژگان و اصطلاحات سیاسی فرنگی است؛ همان گونه که شعارهای انقلابی و پرخاش و ستیزه های سیاسی در سروده های او انعکاس کمتری یافته اند.پلتیک، لیدر، دموکرات و کابینه،نمونه هایی انگشت شمار از این نوع واژگان در شعر ایرج است.در عوض،کلمات بیگانه ای که بر پدیده های فرهنگی و اجتماعی دلالت دارد؛ حضور چشمگیری در شعر او دارند(مانند رستوران، هتل،کافه، تئاتر، سینما،کلوپ و کالژ).کاربرد واژگان فرنگی در شعر ایرج از تنوع برخوردار است؛ چنانکه وی در کنار برخی از واژه های سیاسی،به واژگانی که از زندگی عادی مردم حکایت دارد نیز اشاره می کند»(صارمی،۱۳۸۶: ۱۰۰)

به حیرتم ز که اسرار **هیپنوتیسم** آموخت/فقیه شهر که بیدار را به خواب کند(قصاید:۱۹۶)

از آن لطافت و آن **پودر** و **پارلم** و **توالت**/شبیه **مادموازل** های برن و برلین بود(همان:۲۲۳)

در **کلوپ**ها نتوان کرد همه وقت نشاط/در **هتل** ها نتوان برد همه عمر به سر(همان:۳۶۴)

آنچنان **شیک** و **مُد** و خوب نگاهت دارم/که ز هر بامُد این شهر شوی بامُد تر(همان:۴۰۶)

پیش خود فکر به حالم کردند/**انسپکتور ژنرالم** کردند(مثنوی ها:۱۱۰۴)

بعد چون کار به سامان افتاد/**آدژوران** تازه به**کوران** افتاد(همان:۱۱۱۲)

اندر این دایره یک آدم نیست/**پرسنل** نیز به آن منضم نیست(همان:۱۱۱۹)

کاش چرخ از حرکت خسته شود/در **فابریک** فلک بسته شود(همان:۱۱۸۵)

تاثیر آشنایی ایرج با زبان های گوناگون، صرفا به دریافت لغات این زبان ها محدود می شود و ابعاد گوناگون نحوی و ساختاری را در بر نمی گیرد.تقریبا تمام الفاظ خارجی شعر او، برگرفته از **زبان فرانسه** هستند که وی در جوانی آموخته بود.استفاده ایرج از واژگان فرنگی، در بسیاری از موارد از حالتی تفننی و طنزمآبانه نیز برخوردار است.اوکه خود به حضور متعادل و ظریف این واژه ها در زبان شعرش پایبند بوده است؛ در یکی از اشعارش، علاقه مندان

افراطی زبان فرانسه را به سخره می گیرد و کاربرد بیش از حد و نامتقارن الفاظ فرانسوی را در برخی از اشعار آن روزگار ، دستمایه نقد و شوخی قرار می دهد.

بس که در **لیکور** و هنگام **لته/دوسیه**کردم و **کارتن ترته**(مثنوی ها:۱۱۲۸)

بس که **نت** دادم و**آنکت** کردم/اشتباه **بروت** و **نت** کردم(همان:۱۱۲۹)

●معادل های فارسی برای مفاهیم فرنگی

ایرج در برخی موارد به جای کلمات فرنگی، از معادل های فارسی آن ها استفاده می کند.

نمود اندر **تماشاخانه** عام/ز اندامت خریت عرض اندام(مثنوی ها:۴۰۲)

((ایستگاه)) از دیگر کلمات تازه ابداع شده آن زمان است که برای نامگذاری پدیده های جدید عصر به کارمی رفته.این واژه در شعر بهار نیز خودنمایی می کند و ایرج آن را چنین استعمال کرده:سیل روان عاقبت ز سیر بماند/شعر روان هیچ **ایستگاه** ندارد(قطعات:۲۲۲)

در دوره ایرج، زبان فارسی با زبان های خارجی ارتباط وسیعی یافته و به صورت های مختلفی تحت تاثیر آن ها قرار گرفته بود.یکی از نمونه های این تاثیرپذیری، پدید آمدن کلمات جدید فارسی بود که ترجمه دقیق و به نوعی گرتهبرداری از لغات فرنگی به شمار می آیند.این نوع کلمه ها در شعر ایرج نیزدیده می شوند:

گرچه به خوبی رخت ورد نیست/بین جوانان چو تو**خونسرد** نیست(مثنوی ها:۷۹۷)

و برخی اصطلاحات سیاسی جدید که از همین نوع معادل سازی ها هستند.

ز مرکز رشته طاعت گسسته/کمر شخصا به **اصلاحات** بسته(همان:۲۸۷)

اکثریت کند آماده صفی/یا **اقلیت** یا بی طرفی(ابیات پراکنده:۲۵)

واژه هایی که ترجمه نسبی مفاهیم فرهنگی غرب هستند؛ مثل((تجددطلب))که معادل واژه ((مدرنیست)) است:

این جوانان که **تجددطلبند**/راستی دشمن علم و ادبند(مثنوی ها:۱۰۹۴)

۴-۲.کلمات کهن با معانی جدید

یکی دیگر از وجوه نوگرایانه زبان ایرج،کاربرد واژه هایی است که در گذر زمان به تحول معنایی رسیده اند و مفهومی که در عصر او از آن ها دریافت می شود؛ با معنای سنتی آن ها فرق می کند.«عوامل اجتماعی باعث می شوند که مصداق خارجی امری بر اثر تحول اوضاع جامعه تغییر کند و آن‌گاه همان لفظ پیشین را که بر معنی قدیم دلالت می کرد؛ برای بیان معنی جدید به کار ببرند.این گونه تحول در معانی الفاظ، نه تنها طی مدت های دراز، بلکه حتی در فاصله کوتاه زندگی یک نسل نیز ممکن است روی دهد»(خانلری،۱۳۶۵،ج ۱:۱۰۱)
در مقطعی که شعر ایرج به احاطه سنت ها و اسلوب های قدیمی درآمده بود؛ این نوع لغت ها در شعرش حضور ندارند و در دومین مرحله آثارش به آن ها برمی خوریم.این کلمات، مصداق ظهور زبان زنده و عینی زمانه و اجتماع در شعر ایرج است. به عنوان مثال، واژه **عَرَق** هنگامی که به تنهایی در اشعار و متون قدیمی ظاهر می شد؛ معادل با آب چهره بود و در دوره قاجار با حفظ معنای پیشین، به مشروبات الکلی نیز اطلاق می شد.

عرقهایی که با دقت کشیدم/به دست خود درون گنجه چیدم(مثنوی ها:۶)

بخور با بچه خوشگل ها **عرق** را/بشوی از حرف بی معنی ورق را(همان:۵۰۲)

مثال های دیگری از این نوع تحولات معنایی:

معنای سیاست امر و نهی است/خوب است نظر کنی به **فرهنگ** (قصاید:۵۵۰)=در معنی جدید لغت نامه و دایره المعارف

معنای برگه چک یا ورق بهادار برای کلمه **قبض**، از جمله معانی پدید آمده عصر قاجار است.

وزیر خمسه اگر وجه **قبض** من ندهد/به حق خمسه آل عبا که بد کرده ست(قطعات:۹۸)

قبض آقای کمال السلطنه است/بایدش امضا کنی بسیار زود(همان:۴۰۱)

با ورود تکنولوژی و صنعت جدید عکسبرداری، این کلمه با معنای جدیدی در شعر و متون ادبی به کار رفت.

این **عکس** که بر عکس خودم زیبا شد/تقدیم حضور حضرت والا شد(ابیات پراکنده:۱۰)

واژه **امضا** در شعر و نثر کهن، به معنای راندن و اجرا کردن کارها بود که در سده اخیر مفهوم قبلی اش را از دست داد و معنای دستخط و تایید اداری و قانونی را دریافت کرد.

هی پاراف هشتم و**امضا** کردم/خاطر مدعی ارضا کردم(مثنوی ها:۱۱۳۲)

۴-۳.واژه ها و ترکیب های ابداعی و خودساخته

تحولات فرمی شعر ایرج را نباید امری انفعالی و صرفا متاثر از شرایط جدید و نیازهای روز فرهنگ و اجتماع دانست.او برای نو کردن و تجدید عناصر زبانی شعر خود، تنها به گنجاندن کلمات جدید رایج در شعر مشروطه اکتفا نمی کند؛ بلکه با ساختن واژه ها و اصطلاح های هنرمندانه، خلاقیت ها و مهارت های شخصی خود را نمایان می سازد.یکی دیگر از جلوه های نوآوری در زبان ایرج، وجود برخی لغت های ابداعی و خودساخته است که قدرت او را در واژه‌سازی و پردازش کلمات نشان می دهد.این نوع واژه و عبارات، شکل های مختلفی دارند که در اینجا هرکدام از آن ها با ذکر مثال هایی معرفی می شوند.

●صفت های فاعلی

این نوع صفت ها عموما ترکیباتی طولانی هستند که جانشین دیگر افعال و عبارات در شعر شده و نوعی ایجاز هنری را به وجود آورده اند.ایرج قافیه و ردیف یکی از غزل هایش را بر پایه همین صفات فاعلی مرکب قرار داده است:

آزرده ام از آن بت بسیار نازکن/**پا از گلیم خویش فزون تر درازکن**(غزلیات:۱۲۵)

در عارفنامه نیز چنین نمونه هایی مشاهده می شود:

ملک آن **طعنه بر مهر و وفا زن/به آیین محبت پشت پا زن**(مثنوی ها:۳۷۷)

در زهره و منوچهر، با حجم قابل توجهی از این صفت های فاعلی مواجه هستیم که این امر نتیجه توجه ویژه ایرج به عناصر زبانی شاعرانه و صور خیال است.این عبارات، ساخته و پرداخته ذهن ایرج و متناسب با اسلوب وزن و قافیه شعر است:

آلهه عشق و خداوند ناز/**آدمیان را به محبت گداز**(مثنوی ها:۵۳۳)

حجله نشین فلک سومم/**عاشق و معشوق کن** مردمم(همان:۹۱۰)

مثال های دیگری از این کلمات مرکب در سایر اشعار ایرج:

شعله چشمان شرربارشان/بود **حکایت‌کن** افکارشان(همان:۱۲۷۵)

صف کشیدند پدرسوخته ها/**چشم بر منصب هم دوخته ها**(همان:۱۶۷۴) برخی از این ترکیب ها نیز در حقیقت صفت مفعولی هستند؛ ولی فاعلی جلوه می کنند:

چه گویم خود چه ها آمد به روزم/چه سان کردند کم کم **مایه‌سوزم**(مثنوی ها:۱۶۱۷)

ایرج در ساختن برخی از این صفت های فاعلی، از پسوندهای صفت ساز یا بن فعل های به ظاهر نابجا و غیرمتعارفی استفاده کرده و همین به زبان او، جلوه بدیع و نامعمولی بخشیده است:

کای تو **کَنَنده** در خیبر ز جای/بر کنم این بارکش از تیره لای(همان:۱۶۳۰)

من هم گویم یزید بد کرد/لعنت به یزید **بدکننده**(همان:۷۲۲)

●سایر ترکیبات و صفت های مرکب نوآورانه

پر دغل گربه **به فن‌استاد**/باز آهسته لب به نطق گشاد(همان:۱۵۰۸) بچه حرف نشنو ساده/**به قبول دروغ آماده**(همان:۱۵۱۲)

و نمونه ای از ترکیبات مصدری نوآورانه:

در **دُم طلبی** قدم همی زد/دُم می طلبید و دَم نمی زد(همان:۱۸۱۷)

●ساخت واژه ها و عبارات جعلی از زبان عربی

یکی از جلوه های ابتکار و خلاقیت او، خلق واژه ها و تعبیرات عجیب و غیرمعمول از تلفیق زبان عربی و فارسی است.این گونه کلمات ممکن است از نظر دستوری غلط به شمار آیند؛ اما باید توجه داشت که خروج از هنجارها و نادیده‌گرفتن اصول صرف و نحو، از ویژگی های بارز زبان و گفتار ایرج است و از روش های نوگرایی و ابداع او به شمار می رود.

یکی از نمونه های این نوآوری، قرار دادن حرف تعریف **ال** عربی بر سر اسم های فارسی است.

البدایع نگار را دیدم دوش/پشت **المیز الاداره** خویش

العبایی فکنده بر **الدوش/الکمالی** نهاده در **الپیش**

ترکیب یک صفت عربی با اسم فارسی،مثالی دیگر در این زمینه است:

کار امروزه من کار بدی ست/ کارانسان **قلیل الخردی** ست(مثنوی ها:۱۰۸۱)

همین طور آوردن صفت های مرکب عربی که بیشتر در متون متکلف به کار می رود و به ظاهر با زبان روان و ساده ایرج همراهی چندانی ندارند. ایرج این واژهای عربی را به عمد و برای نمایش مهارت ادبی و همین طور افزودن به بار طنز کلامش، استفاده می کند.

رشیدالقد،صحیح الفعل و القول/ فتاده آن طرف حتی ز لاحول(همان:۲۸۲)

عشق بدین مرتبه **سهل القبول**/بر تو گران آمده ای بوالفضول(همان:۸۳۴)

ایرج در یکی از ابیاتش به تقلید از وزن ظاهری یک واژه اداری، قید جدید و نامعمولی ایجاد کرده است.

گر چه در مالیه ام **حالیه** من/متاذی شدم از مالیه من(همان:۱۲۰۵)

ساخت صفت تفضیل و اسم مفعول از واژه های فارسی طبق قاعده زبان عربی:

گر شعر دگر کلان جفنگ است/شعر تو کچل کلاچه **اجفنگ**(قصاید:۵۵۲)

گفتم به جوانکی **مفرنگ**/کای در خم و چم به سان خرچنگ(مثنوی ها:۱۸۲۵)

●ساخت افعال جعلی از اسم ها

ایرج از برخی اسم هایی که ریشه عربی دارند؛ فعل های غریب و نامتعارفی ساخته که به نظر می رسد برای طنز و نقیضه‌پردازی است.البته این گونه ابداعات تنها مربوط به ایرج نیست و از آثار **طرزی افشار** شاعر مبتکر دوره صفوی برداشت شده است.

نه دیگر حبس می بینی نه تبعید/نه دیگر بایدت هر سو **فرارید**(مثنوی ها:۵۰۱)

درهای بهشت بسته می شد/مردم همه **می جهنمیدند**(قطعات:۲۶۵)

●کلمات دو ریشه ای و وام واژه های شعر ایرج

یکی از روش های او در زمینه ابداع و آفرینش واژه های جدید عبارت است از ساخت وام-واژه و کلمه های مرکب دوریشه ای که یک نیمه فارسی دارند و یک نیمه شان از زبان های اروپایی است.این کار در حقیقت نوعی قرض از زبان های خارجی است.

کفش تو **واکس‌زده**، جامه اطو خورده بود/هر سحر کان را در پا کنی، این را در بر(قصاید:۴۱۴)

زن **رفته کالژ**، **دیده فاکولته**/اگر در آید به پیش تو دکولته(مثنوی ها:۱۹۵)

پشت کالسکه مردم می جست/دل **کالسکه‌نشین** را می خست(همان:۱۷۷۴)

راه یابد به فلک غمازی/انجمن سازی و **پارتی بازی**(ابیات پراکنده:۲۱)

در شعر ایرج، فعل های مرکبی وجود دارد که حاصل ترکیب یک اسم یا مصدر فرنگی با بن فعل فارسی است.

دوئل کردن:من نه تو را بیهده ول می کنم/گر ندهی بوسه، **دوئل می کنم**(مثنوی ها:۶۶۳)

راپورت دادن:سبزه که جاسوس نباشد به باغ/**دادن راپورت** نداند کلاغ(همان:۸۰۲)

انژکسیون کردن:کند بنای دل او را ز بن/**کرد** به وی عشق خود **انژکسیون**(همان:۹۸۸)

از دیگر نمونه های تلفیق عناصر سنتی و فرنگی در شعر ایرج، جمع بستن الفاظ دخیل با نشانه های جمع عربی است که در یک مورد مشاهده می شود.

بر دلم دایم از او بیم آمد/**تلگرافات** که بی سیم آمد(همان:۱۰۵۳)

مورد دیگر،کوتاه کردن واژه های دخیل فرنگی، براساس روش‌های دستوری کهن زبان فارسی است:

تخت و تاج و همه را ول کرده/در هتل های **اروپ** معتکف است(قطعات:۱۰۲)

۴-۴.کاربرد زبان عامیانه و مردمی در شعر

بهره برداری از زبان و فرهنگ عامه و جای دادن ماهرانه آن در کنار زبان رسمی از دیگر ویژگی های سبکی شعر ایرج است . «برای سبک شناسی دانستن اینکه در یک پیکره زبانی میزان واژه های رسمی و فاخر بیشتراست یا واژه های عامیانه و محاوره ای؛ اهمیت شایانی دارد»(فتوحی،۱۳۹۰: ۲۵۳)ایرج در دومین مرحله شاعری به استفاده فراوان از کلمات، اصطلاحات و امثال و کنایه های عامیانه و تزریق لحن گفتار محاوره ای به سروده هایش روی آورد.این عناصر که کاربرد آن ها در شعر فارسی نوعی هنجارگریزی و دور شدن از سنت ها محسوب می شد؛ چنان بسامد بالایی در آثار ایرج دارد که نام او را به حق در فهرست پیشوایان نوآوری و انقلاب زبانی در شعر قرار می دهد.این مطلب در بسیاری از مطالعات مربوط به شعر نو و تحول ادبی بیان شده است.یحیی آرین پور در این باره چنین می گوید:«گرایش به سادگی و نزدیکی به زبان محاوره مردم در شعر فارسی، فصل جدیدی را در ادبیات منظوم ایران باز می کند که سرآغاز آن با نام ایرج همراه است و باید او را یکی از پیشوایان عمده این انقلاب دانست»(آرین پور،از صبا تا نیما،ج ۴۱۵:۲)

«ایرج میرزا در زمره نخستین شاعرانی است که با استفاده وسیعش از عناصر گفتار روزمره به منظور بیان مضامین نو در اشعار خود،شعرش را هر چه بیشتر به زبان محاوره ای مردم نزدیک کرد»(رحیم بیگی و غلامحسین زاده،۱۳۹۰: ۱۳)

اشعار ایرج یکی از مهمترین معیارهای درک و شناسایی زبان عامه در عصر مشروطه است و با اینکه حدود صد سال از عمر آن می گذرد؛ هنوز با زبان امروز ما پیوند و نزدیکی عمیقی دارد.«می توانیم بگوییم که هیچ شاعری در طول هفت قرن گذشته به اندازه ایرج میرزا به زبان معیار و ساحت همزمانی زبان فارسی عصر خود نرسیده است»(شفیعی کدکنی،۱۳۹۰: ۸-۳۶۷)

در بهره‌گیری ایرج از زبان عامیانه نکته ارزشمندی وجود دارد و آن دایره وسیع و متنوع الفاظ روزمره و سیال بودن این کلمه ها در میان فرهنگ ها و گروه های متفاوت اجتماع است.او علاوه بر واژه های فراگیری که فرهنگ گفتاری اکثر مردم آن زمان را پوشش می

دهد؛گاهی به طور عمد اصرار دارد تا به زبان یک طبقه و قشر خاص از جامعه نزدیک شود و اصطلاحات و تکیه- کلام های آن ها را به کار بندد؛ به عنوان مثال آوردن ال بر سر اسم های فارسی(المیز، الدوش و ...)، زبان ادبیان و عربی گرایان افراطی زمانه را یادآوری می کند و اصطلاحاتی نظیر لوطی، شاپویی ها، بچه ژاندارم، بچه خوشگل و پسر مشدی، مربوط به قشر جاهلان و لات های محله گرد است.ذکر بیش از حد کلمه های فرانسوی و اصطلاحات اداری در یکی از مثنوی های او، طعنه ای به زبان کارمندان فرنگی مآب و تحصیل کرده است.

«ایرج میرزا مواد زبان عامه را با برخی اصطلاحات و تعبیرات عصری از جمله مصطلحات اداری و امثال آن و نیز بعضی کلمات رایج در زبان درس خواندگان زمان به هم آمیخت و از مجموع آن ها زبانی همه کس فهم و روان پدید آورد»(یوسفی،۱۳۸۸: ۳۶۱)

شهریار شاهین دژی نویسنده کتاب *نام آور ناشناخته* معتقد است که تا پیش از ظهور ایرج میرزا، جز سعدی کسی نبوده که تا این حد به زبان عامه مردم نزدیک شده باشد(شاهین دژی،۱۳۹۱: ۲۰)

یکی از دلایل دیگری که نفوذ ویژگی های زبان عامیانه در زبان ایرج را تقویت کرده؛ زیرساخت طنز و هزل در اغلب اشعار متاخر اوست. طنز و مزاح در ادبیات سنتی نیز عرصه ای برای نزدیک شدن به زندگی روزمره اقشار فرودست مردم بوده و سروده های طنزآمیز فارسی از آثار مولوی و سعدی گرفته تا عبید زاکانی، با خصلت های عامیانه بسیاری همراه بوده اند.

بیشتر عناصر عامیانه زبان ایرج، در عارفنامه و مثنوی ها و قطعات متاخرش دیده می شود.با معرفی و دسته‌بندی مصادیق زبان و گفتار عامیانه ایرج میرزا، میزان و چگونگی ظهور این زبان در آثار او بهتر شناسایی و ارزیابی خواهد شد.

●اسم‌های عامیانه

نه پلیسی که **کله** اش چو کدوست/آن پلیسی که مثل برگ هلوست(مثنوی ها:۱۴۷۶)

ننه ام متصل کتک زندم/پدرم بام و عمه چک زندم(همان:۱۵۵۳)

●اصطلاحات و ترکیب های عامیانه

خر خود را لگدی چند زنم بر **پک و پوز**/به خر او چو رسم، نازش و تیمار کنم(قصاید:۷۱۸)

درِ تجدید و تجدد وا شد/ادبیات **شلم شوربا** شد(مثنوی ها:۱۰۸۳)

این **سگ‌مرضی** بود که آخر/از گرسنگی تو را کشنده ست (قطعات:۱۱۸)

●القاب و صفت های عامیانه

مشدی و **قلدر** و غدار است این تازه حریف/من چه با مشدی و با قلدر و غدار کنم(قصاید:۶۵۶)

همه ذرات عالم **منتر** توست/تمام حقه ها زیر سر توست(مثنوی ها:۲۲۷)

یکی **بی قید** و **بی حالت** شناسد/یکی **وردار** و **ورمالت** شناسد(همان:۳۰۹)

گفت ای موش **لوس یک قازی**/با دم شیر می کنی بازی(همان:۱۵۷۹)

●قیدهای عامیانه

نرمک نرمک به سرانگشت خویش/دیم ددک دیم ددکمی زند(قصاید:۱۷۲)

چنین گفتند کز آن چیز عادی/همی خوردی ولی قدری **زیادی**(مثنوی ها:۴۰۵)

بزرگان وطن را از حماقه/نباشد بر وطن **یک جو** علاقه(همان:۴۴۷)

●اصوات عامیانه

زنی بگذشت آنجا با **خش و فش**/مرا عرق النساء آمد به جنبش(مثنوی ها:۱۰۱)

چه لوطی ها در این شهرند، **واه واه**/خدایا دور کن!الله الله!(همان:۱۳۰)

دوری و بی مزگی باز چرا/من که مُردم ز فراقت، **دِ** بیا(مثنوی ها:۱۰۵۸)

همه گشتند از این عزم همایون خرسند/همه گفتند:«ملک زنده بماند، **هورا**»(قطعات:۵۱)

●حروف عامیانه

هی نشستم به مناعت سر میز/هی تپاندم دوسیه **لای** شمیز(مثنوی ها:۱۱۳۱)
من که خوردم شام و رفتم**توی** جا/گر نمی خواهی بیایی، هم میا(همان:۱۳۱۵)

●افعال عامیانه

بخش وسیعی از عناصر مردمی و عامیانه شعر ایرج، مربوط به افعال غیرادبی و رایج در گفتار روزمره و محاوره ای است.همزمان با تحولات ادبی عصر مشروطه،استعمال این افعال توسط شاعران، نشانه ای از خلاقیت هنری و سبب گسترش دایره مخاطبان شعر بود.تقریبا تمام شاعران این دوره به نسبت های متفاوتی به این افعال روی آورده اند و ایرج از سرآمدان اصلی این جریان است. بیشتر این افعال که در گذر زمان توسط مردم کوچه و بازار ساخته شده اند؛ **مرکب** و دو بخشی(حاصل ترکیب اسم و صفت با بن فعلی)هستند :

کج مرو، **لج مکن**، ایرج مشو،آقایی کن/چاکرانت را نیکوتر از این دار نگاه(قصاید:۹۲۱)
غم ملت ز بس خوردند،مُردند/**ورم کردند** از بس غصه خوردند(مثنوی ها:۴۹۷)

عامیانه بودن زبان زهره و منوچهر اگرچه تا حدودی کمتر از عارفنامه است؛ اما در زمینه برخی از ترکیبات و افعال مرکب، بسیار محسوس می شود:

گربه‌صفت ورجه و**گازم بگیر/ول ده** و **پرتم کن** و بازم بگیر(همان:۷۰۸)
قلقلکم می**ده** و **نشگان بگیر**/من چه بگویم چه بکن، جان بگیر(همان:۷۱۶)

افعال **ساده** و **پیشوندی** محاوره ای و عامیانه نیز در شعر ایرج وجود دارد:

اگر ز آب کمی دست گربه تر گردد/بسی **تکانَد** و بر خشکی اش شتاب کند(قصاید:۱۹۱)
چو آن گربه که دنبه از سر شام/همی**ور دارد** و **ورمالد** از بام(مثنوی ها:۲۷)
بِنَشمد در ته انبار پشگل/چنان کاندر رواق برج ایفل(همان:۹۶)
هی نشستم به مناعت سر میز/هی **تپاندم** دوسیه لای شمیز(همان:۱۱۳۱)

برخی از **عبارت های فعلی** کوچه و بازاری نیز در زبان عامیانه ایرج خودنمایی می کند:

لـله را نیز اگر **دست به سر می کردم**/خوب می شد که کشم دست ابوت به سرش(مثنوی ها:۵۰۶)

مردمان **در تک و پو افتادند**/رو به هر برزن و کو بنهادند(همان:۱۶۶۸)

●تخفیف های محاوره ای کلمات

تخفیف کلمه داداش: از بردن اسم **داش** کاظم/گردید دلم چو قافیه تنگ(قصاید:۵۶۱)

تخفیف کلمه شوهر: برادر شوهر من آرزو داشت/که روی من ببیند، **شوم** نگذاشت(مثنوی ها:۱۳۷)

۴-۵.روان بودن و سادگی زبان شعر

یکی از ابعاد نوگرایی و تحول ساختاری شعر ایرج میرزا،روانی ابیات او و سادگی و همه فهم بودن بیان آن هاست.این ویژگی در آثار ثانویه ایرج که بیشتر شامل مثنوی ها و قطعات اوست؛ دیده می شود.ایرج در این دسته از اشعارش، عمدتا وزن های کوتاهی انتخاب می کند و کلمات را به گونه ای کنار هم می چیند که شعرش به نثر نزدیک شده و جابه جایی نحوی و تقدم و تاخرهای معمول اشعار سنتی، در آن مشاهده نمی شود.برای مثال:

خواهم که دهم جان به تو، میل دلم این است/ترسم که پسندت نشود، مشکلم این است(غزلیات:۲۴)

چه می گویی، مگر دیوانه هستی/گمان دارم عرق خوردی و مستی(مثنوی ها:۱۴۳)

«وقتی عارفنامه را می خوانیم؛ به پاره هایی می رسیم که طبیعی بودن و سادگی زبان شعر در آن ها، به سر حد اعجاز می رسد و روان تر از آن در زبان فارسی نمی توان تصور کرد»(شفیعی کدکنی، ۳۶۸:۱۳۹۰)«سبک ایرج از لحاظ گزینش واژگان و ساخت نحوی، به زبان طبیعی فارسی نزدیک تر از دیگران است.گرایش ایرج به ساده گویی تا بدان جاست که باید وی را پدر شعر ساده و روان در ادبیات معاصر دانست»(شاهین دژی،۱۳۹۱: ۲۰)

ایرج به خوبی از این وجه امتیاز اشعارش آگاه بوده و به آن فخر و مباهات داشته است.از دید او روان بودن و سادگی زبان، لازمه و پایه اصلی فعالیت در عرصه شعر است.در اشعاری که در سال های پایانی عمرش سروده؛ این عقیده را که حاصل تجربیات شاعری او و رسیدن از عرصه سنت و تقلید به نوآوری و تجدد بوده؛ چنین بیان کرده است:سیل روان عاقبت ز سیر بماند/شعر روان هیچ ایستگاه ندارد(قطعات:۲۲۲)

۵.نوآوری در محتوا

شعر و ادب عصر مشروطه، دروازه تجدد ادبی ایران و محصول انقلابی فرهنگی-اجتماعی است.به همین علت، محتوا و ساحت معنایی شعر،مهمترین عرصه بروز تحول و در حقیقت مقدمه و پیش نیاز دگرگونی های زبانی و ادبی این دوره است.ایرج میرزا در شمار آن دسته از شاعران مشروطه است که در آثار خود، بیشترین تجدد معنایی و نوخواهی فکری را ارائه می دهد.اکثر این اندیشه های جدید و مترقی، در شعرهای پنج سال آخر زندگی او نمود یافته اند.ایرج بخش عمده مثنوی ها و قطعات خود را به این مباحث اختصاص داده است.منظومه عارفنامه، منبع اصلی دریافت نگرش های متجددانه اوست.نوگرایی های محتوایی شعر ایرج در سه حوزه اصلی جای می گیرند که در ادامه به آن ها پرداخته می شود.

۵-۱.نواندیشی مذهبی

جنبه های سلبی انتقادهای دینی در شعر ایرج بسیار پررنگ تر از جنبه های ایجابی آن است و از کلام او، بیشتر ناامیدی و بدبینی مطلق نسبت به سنت های دینی و فرهنگی استخراج می شود؛برخلاف امثال بهار و دهخدا که از تربیت کامل اسلامی بهره‌مند بودند و به نجات‌بخشی مذهب درست و واقعی اسلام امید داشتند.البته خود ایرج نیز در یک خانواده اصیل مذهبی چنین تربیتی داشته ؛ولی به نظر می رسد که مواجه شدن با روشنفکری و فرهنگ سکولار غربی،او را به سوی نوعی دین‌گریزی هدایت کرده است.

اگرچه دغدغه اصلی شعر مشروطه سیاست و اجتماع است؛اما بعضی از شاعران از جمله ایرج و عشقی، با جسارت بیشتری وارد ساحت‌های دینی شده و باورهای مذهبی را نفی کرده اند.

تفاوت این اشعار با نمونه های سنتی، این است که علاوه بر صراحت لهجه،زمینه ای فلسفی دارند و از اندیشه های ماتریالیستی و غیردینی غرب تاثیر پذیرفته اند.انکار و الحاد ایرج نیز از همین نوع است؛ هر چند که تا حدودی با یاس درونی و نارضایتی شاعر از اوضاع زندگی خود نیز ارتباط دارد.

آخدا،خوب که سنجیدم من/از تو هم هیچ نفهمیدم من
یا تو آن نیستی ای خالق کل/که به ما وصف نمودند رسل...(مثنوی ها:۵-۱۱۹۳)

کو خدا،کیست خدا،چیست خدا/بی جهت بحث مکن،نیست خدا
آن که پیغمبر ما بود همی/ما عرفناک بفرمود همی...(ابیات پراکنده:۵-۳)

۵-۲.نوگرایی سیاسی و اجتماعی

ظهور شعر سیاسی- اجتماعی از دستاوردهای مهم مشروطیت است. شعر مشروطه که به بینشی مدرن و اومانیستی دست یافته؛ تنها به شکایت از بی عدالتی حاکمان نمی پردازد و اساس ساختار حکومت غیردموکراتیک و مجموعه سلطنت را به چالش می کشد.

محتوای بخش عمده ای از اشعار این دوره را مسائل سیاسی و وقایع جاری کشور تشکیل می دهد که بیشتر شامل انتقاد و اعتراض است.

گروهی از شاعران مانند ملک الشعرا،عشقی و عارف ، موضوعات سیاسی-وطنی را بر می گزینند و عده ای دیگر نظیر ایرج میرزا و اشرف الدین با زبانی عامیانه و طنزگونه، به مضامین اجتماعی و نقد فرهنگ توده ها روی می آورند.«صدای اصلی مشروطیت بیشتر یا میهن پرستی است یا انتقاد اجتماعی.این صدا بیشتر در شعر ایرج و بهار دیده می شود:بهار از لحاظ میهن پرستی و ایرج به عنوان بورژوای معترض »(شفیعی کدکنی،۱۳۸۷: ۳۴)

در شعر ایرج، اولویت با موضوعات اجتماعی و فرهنگی و پس از آن امور سیاسی است.در دیوان او، اشاره ها و کنایه هایی به چهره های قدرتمند عصر و صاحب منصبان وجود دارد.اگرچه این مضامین بیشتر در عارفنامه و سایر اشعار متجددانه ایرج ظاهر شده اند؛ اما به معدودی از قصاید و غزلیاتش نیز راه پیدا کرده اند:

نه از مار و نه از کژدم، نه زین پیمان شکن مردم/از آن شاهنشه بی دین خلق آزار می ترسم(غزلیات:۱۱۲)

به اعتدال ازین پرده مان رهایی نیست/مگر مساعدتی دست انقلاب کند(قصاید:۲۰۰)

ایرج مباحث مربوط به سیاست و اجتماع جدید را عمدتا به سه شیوه در اشعار خود منعکس کرده است:کاربرد اصطلاحات جدید سیاسی، انتقاد و افشاگری سیاسی،وطن‌دوستی و ملی‌گرایی.

●اصطلاحات جدید سیاسی

راه گردد به فلک غمازی/**انجمن سازی** و **پارتی بازی**(ابیات پراکنده:۲۱)

که نجنگیده و ننشانده فرو کینه تو/ناگهان سر برسد دوره **کابینه** تو(ترکیب بندها:۵۱)

●انتقادها و افشاگری‌های سیاسی

سیاست‌پیشه مردم حیله بازند/نه مانند من و تو پاکبازند(مثنوی ها:۴۳۲)

تماما حقه باز و شارلاتانند/به هرجا هر چه پاش افتاد،آنند(همان:۴۳۳)

بزرگان وطن را از حماقه/نباشد بر وطن یک جو علاقه(همان:۴۴۷)

●وطن دوستی و ملی گرایی

او به مفاهیمی چون وطن و آزادی به عنوان دو کلیدواژه مهم شعر آن روزگار، بی توجه نیست؛ اما بسامد پرداختن او به این مباحث در قیاس با دیگر شعرای هم دوره خود، بسیار کمتر است.همچنین پرداختن ایرج به مضمون وطن دوستی، با تناقض و فراز و فرودهایی همراه است و ابیات او در زمینه وطن‌دوستی و ملی‌گرایی،نمی تواند به طور دقیق دیدگاه وی را در خصوص این مفاهیم بیان کند؛ چون در جایی چنین گفته است:

خدا نخواسته کاین مملکت شود آباد/وطن‌پرستان بیهوده اهتمام کنند(قطعات:۳۷۱)

این وطن مایه ننگ است،پی دخلت باش/هر چه گویند جفنگ است،پی دخلت باش(ترکیب بندها:۲۲)

همه عالم همه کس را وطن است/همه جا موطن هر مرد و زن است(مثنوی ها:۱۲۰۳)

«این شعر بیش از آنکه از منشا آرمان های جهان‌وطنی نشات گرفته باشد؛ از بی‌آرمانی شاعر سرچشمه‌یافته‌است.ایرج‌رانه می توان شاعری ناسیونالیست شمرد و نه انترناسیونالیست»(صدری نیا،۱۳۷۷:۳۳)

۵-۳.تجدد خواهی فرهنگی

شعر مشروطه در تاریخ ادبیات ایران، به شعر عصر بیداری معروف است.مقصود از بیداری، افزایش آگاهی های سیاسی و اجتماعی و متعاقب آن، پی بردن به ضرورت تغییر و نوسازی فرهنگ کشور است.ایرج میرزا، بهار، دهخدا، عشقی و نسیم شمال از شاعرانی بودند که در کنار امور سیاسی، به انتقاد از برخی آداب و سنت های مردم ایران و دعوت آن ها به سوی آگاهی و تجدد پرداختند.در بین آن ها، سهم ایرج در زمینه فرهنگ اندکی چشم‌گیرتر است؛ چون از یک سو گرایشات سیاسی و انقلابی اش کمتر و از طرف دیگر، زبانش جسورتر و بی پرواتر است.موضوعات فرهنگی یکی از شاخصه های مهم اشعار نوگرای ایرج محسوب می شود و شعر ایرج پس از مضامین غنایی، بر مدار تجددخواهی، سنت‌گریزی و غرب‌گرایی حرکت می کند که شامل چند چارچوب کلی است:انتقاد از برخی آداب و سنت های مردم، مبارزه با جهل و خرافه‌پرستی و طرح مسائل زنان .

●انتقاد از آداب و سنت‌های مردم

ایرج بسیاری از آداب و سنت های دیرینه فرهنگی را به چالش کشیده که رسوم مربوط به زناشویی و ازدواج بخش مهمی از آن هاست.

به غیر ملت ایران کدام جانور است/که جفت خود را نادیده انتخاب کند(قصاید:۱۸۶)

خدایا کی شوند این خلق خسته/از این عقد و نکاح چشم بسته(مثنوی ها:۲۳۶)

انتقاد از برخی روحیات و باورهای جمعی مردم:

معنی خلق در ایران این است/بد بود هر که به ما بدبین است(همان: ۱۱۸۰)

.اینک مصداق های دیگری از نقد آداب اجتماعی:

یا رب این عادت چه می باشد که اهل ملک ما/گاه بیرون رفتن از مجلس ز در رم می کنند

جمله بنشینند با هم خوب و برخیزند خوش/چون به پیش در رسند، از همدگر رم می کنند(قطعات:۵-۳۷۴)

●مبارزه با جهل و خرافه‌پرستی

برون کن از سر نحست خرافات/بجنب از جا که فی التاخیر آفات(مثنوی ها:۱۹۹)

حیف باشد که مرا فکر بلند/صرف گردد به خرافاتی چند

جهل از ملت خود بردارم/منتی بر سرشان بگذارم(همان:۸-۱۲۰۶)

●طرح مسائل زنان

ایرج میرزا در شعر خود توجه خاص و ویژه ای به زنان نشان می دهد؛ از مطرح کردن ضرورت حضور زن در اجتماع و مخالفت با حجاب تا سرودن اشعاری صمیمانه درباره مقام مادر(در پنج قطعه و چند مثنوی)که برای نخستین بار در ادب فارسی به این شکل پدید آمده است.بدیهی است که تمام این موضوعات در نتیجه تحول فکری و ارتباط با فرهنگ و ادبیات غرب به شعر ایرج راه یافته و جلوه‌هایی از نوگرایی اندیشه و فرهنگ است.

مگر زن در میان ما بشر نیست؟/مگر زن در تمیز خیر و شر نیست؟(مثنوی ها:۸۹)

اگر زن را بیاموزند ناموس/زند بی پرده بر بام فلک کوس(همان:۱۸۹)

با چنین گام که نسوان وطن پیش روند/عن قریب است که ایران شود ایران دگر(غزلیات:۸۱)

ایرج تاکید ویژه ای بر حضور اجتماعی زنان و همراهی آنان با مظاهر تجدد دارد.

زن روبسته را ادراک و هش نیست/تئاتر و رستوران ناموس‌کش نیست(مثنوی ها:۹۴)

برون آیند و با مردان بجوشند/به تهذیب خصال خود بکوشند(همان:۱۹۱)

۵-۴.گونه های جدید ادبی

شعر فارسی در تقسیم‌بندی سنتی خود، عموما به سه نوع حماسی، غنایی و تعلیمی محدود می گشت.در عصر مشروطه گونه های دیگری از جمله شعر کارگری، شعر کودکان و ترجمه های منظوم به آن اضافه شد.اهمیت و میزان کاربرد این نوع موضوعات در شعر، به آن ها ماهیتی مستقل بخشید و آن ها را به شاخه های جدید ادبی تبدیل کرد.این مباحث اگرچه در

اشعار کهن فارسی به صورت محدودی قابل ردیابی است؛ اما حضور پررنگش در شعر ایرج و سایر معاصران او، نتیجه بهره‌برداری از ادبیات غرب است.

●شعر کارگری

تاثیر انقلاب بلشویکی روسیه بر بسیاری از سرایندگان مشروطه محسوس و بارز بود و مضامین سوسیالیستی و کارگری را برای شعر به ارمغان آورد.این مضامین در شعر و جهان‌بینی ایرج نفوذ چندانی نکرده که تفاوت طبقاتی او، می تواند یکی از دلایل این امر باشد.او به علت داشتن ریشه اشرافی و عدم برخورداری از شور و حرارت انقلابی، در این زمینه با امثال عارف قزوینی تفاوت محسوسی دارد؛ با این وجود، قطعه ای درباره حقوق کارگر و انتقاد از سرمایه‌داران سروده که از لحاظ محتوای ادبی متجددانه است و می تواند در شمار گونه های ادبی مدرن شعر فارسی قلمداد شود.

شنیدم کارفرمایی نظر کرد/ز روی کبر و نخوت کارگر را(قطعات:۲۶)

روان کارگر از وی بیازرد/که بس کوتاه دانست آن نظر را(همان:۲۷)

●شعر و ادبیات کودکان

مقولات تربیتی کودکان با وجود اینکه در ادب سنتی ما نیز به ظهور رسیده است؛ اما در شعر مشروطه به شکلی عمیق تر و گسترده تر و متاثر از آثار غربی حضور می یابد و این یکی از شاخه های نوگرایی و تجدد ادبی محسوب می شود.ورود یک نگاه نوین و مدرن به ادبیات مشروطه، سبب شد که مسائل مربوط به کودکان و بحث سرگرمی و آموزش آن ها، مورد بازبینی و پردازش دقیق‌تری قرار گیرد.قطعا ترجمه آثار غربی و مطالعه داستان های نویسندگانی چون هوگو، دیکنز و کریستین آندرسن نیز در ایجاد چنین ذهنیت و هدفی برای نویسندگان و شاعران مشروطه موثر بوده است.این موضوعات در دیوان ایرج بسامد بالاتری دارد و علاوه بر این، او مضامین مربوط به کودکان را با فرم و زبانی عامیانه و متناسب با سن و سال آنان عرضه نموده است.معمولا هنگامی که ایرج درباره کودکان صحبت می کند؛ لحن

طنز او نیز قوی تر می شود. ایرج در دوره کمال و تجددخواهی و اواخر فعالیت ادبی اش، به این نوع شعر روی آوردکه نمونه های آن را می توان در مثنوی ها و قطعاتش دید.فراوانی این درون‌مایه ها در اشعار ایرج، موجب می شود که آن را یک گونه و ژانر تازه در کارهای او به حساب آوریم.

بچه ای با شعور و بافرهنگ/بود با بخت خود همیشه به جنگ(مثنوی ها:۱۵۴۷)

که چرا من بزرگ تر نشدم/مثل این مردم دگر نشدم...(همان:۱۵۴۸)

داشت عباسقلی خان پسری/پسر بی ادب و بی هنری...(همان:۱۷۷۲)

ما که اطفال این دبستانیم/همه از خاک پاک ایرانیم...(قطعات:۵۵۲)

●ترجمه و اقتباس ادبی

اقتباس مضامین و ترجمه اشعار فرنگی، یکی از مظاهر تجدد و تحول شعر فارسی است.ایرج میرزا در کنار بهار، رشیدیاسمی، وحید دستگردی و دیگر شاعران، در این زمینه فعال بود و شعرش را از مضامین اقتباس شده از ادبیات اروپا بهره‌مند ساخت.نزدیک به ششصد بیت از مجموع چهار هزار بیت ایرج، بر اثر این الگوبرداری ها پدید آمده که این میزان چشمگیر، علاقه و اهتمام زیاد ایرج به این مسئله را نشان می دهد. ترجمه های ایرج غیر مستقیم است و از روی متن های منثور از پیش ترجمه شده صورت گرفته است. در حقیقت روزنامه ها و نشریات و جریانات بیرونی عصر ایرج بوده اند که او را به ساختن این نوع اشعار تشویق کرده اند و خود او در این زمینه پیشقدم و مبدع نبوده؛این در حالی است که ایرج با چند زبان آشنایی داشته است.احتمالا گرفتاری های شخصی و شغلی به او مجال نداده که متن ها و اشعار خارجی را تهیه کند و بدون واسطه وارد میدان ترجمه شود.با وجود این، اقتباس های او در مقایسه با بقیه شاعران معاصرش، هم از لحاظ کمیت و هم کیفیت سرآمدتر بوده و از میان تمام ترجمه های شعری آن زمان،آثار ایرج در حافظه شعری ایران به یادگار مانده است.ایرج شش مثنوی و یک قطعه منظوم از این نوع اقتباس ها دارد.مثنوی های زهره و منوچهر، شاه و

جام، شیر و موش،کار و کوشش،کلاغ و روباه و هدیه عاشق و قطعه قلب مادر از آن جمله اند.

تمام این آثار ریشه فرانسوی دارند؛ به جز قلب مادر که گویا در اصل از متنی آلمانی بوده و زهره و منوچهر نیز اقتباسی از اثر ونوس و آدونیس شکسپیر است.

۶.نوآوری در صور خیال و آرایه های ادبی

مسئله صناعات ادبی و تخیل و تصویرسازی،برای شاعران مشروطه هدف و دغدغه اصلی نبوده است.علت اساسی این امر، تغییر رسالت شعر و ماهیت شرایط فرهنگی-اجتماعی کشور است که از شاعران موضوعات واقع‌گرایانه و بیانی صریح و مستقیم در شعر را طلب می کرده است.در این مقطع، پرداختن به آرایش های ادبی و تخیل و انتزاع شاعرانه در اولویت قرار نداشت.این مسئله در کارهای اغلب چهره های ادبی مشروطه نمود یافته است.«اساسی ترین عنصر شعر یعنی تخیل، در اکثر شعرهای این دوره بسیار کمرنگ است»(آجودانی،۱۳۸۱: ۲-۱۶۱)

بنابراین طبیعی است که ایرج نیز چندان در بند صور خیال و آرایه های ادبی نبوده و در آثارش به تصویرسازی نپرداخته باشد ایرج در سال های آخر عمر یعنی پربارترین دوره فعالیت حرفه ای، سادگی و روانی را دستور کار خود قرار داده بود تا جایی که در شعر *انقلاب ادبی* چنین گفت:

شاعری طبع روان می خواهد/نه معانی،نه بیان می خواهد(مثنوی ها:۱۰۹۶)

البته این بیت ایرج یک مانفیست مقطعی و گذرا بوده و نباید آن را به عنوان جهان‌بینی ثابت و معین او در دوره نوگرایی و تجدد قلمداد کرد.این نگرش او بیشتر در قلمرو مثنوی ها و قطعات سیاسی- اجتماعی و اغلب تمثیل ها و حکایات تعلیمی اش نمایان می شود.این دسته از اشعار ایرج، میزان کمتری از آرایش های بلاغی را در خود جای داده اند؛ اگر چه در آن ها نیز مراتبی از هنرنمایی های ادبی دیده می شود.

بر خلاف این اشعار، شماری دیگر از سروده های متاخر ایرج ظرفیت بیشتری در برخورداری از آرایه ها و صور خیال دارند و جنبه ادبی شان قوی تر است. بارزترین مصداق آن، منظومه **زهره و منوچهر** است که ساختاری بسیار غنایی و توصیفی دارد و عرصه ظهور ابداعات ایرج در حوزه تصویرسازی و خیال به شمار می رود.عارفنامه نیز در زمینه ابداع و نوآوری ادبی، دست کمی از زهره و منوچهر ندارد؛ با این تفاوت که کنایه ها و ضرب المثل های عامیانه و پیچ و تاب های معنایی را بیشتر از تشبیه و توصیف در آن مشاهده می کنیم. ایرج به رغم اینکه خود را به آرایش های هنری شعر بی تفاوت نشان داده و بر قدرت زبان و لحن تاکید می ورزیده؛ اتفاقا به نوآوری و خلاقیت در حوزه بیان و بدیع نیز پای بند بوده است.حجم نسبتا بالای این عناصر ادبی در برخی از اشعارش، توانایی و ظرفیت نهفته او را در این زمینه اثبات می کند. ایرج پس از خلق تشبیهات نو و متفاوت، در بهره‌گیری از کنایه های عامیانه و امروزی نیز مهارت خاصی ورزیده است.ساخت استعاره های تازه(با بسامد کمتر)، در مرتبه بعدی ابداعات ادبی او قرار دارند.

۶-۱:نوآوری در حوزه بیان

●تشبیهات نو آورانه

این همه نقش که بر صحنه گیتی پیداست/**سینمایی ست** که از دیده اختر گذرد(غزلیات:۴۳)

روی زمین است چو کانوای من/طرح کنم بر رخش انواع فن(مثنوی ها:۹۵۰)

ایرج در برخی موارد، تشبیهات کهنه و سنتی را با کلمات تازه و مفاهیم متفاوت و بدیع ترکیب کرده و به آن ها وجه خلاقانه ای بخشیده است:

گفت **که ای نسخه بدل از پری**/**جلد سوم از قمر و مشتری**(همان:۷۲

عطف بیان از گل و سرو و سمن/**جمله تاکید** ز باغ و چمن(همان:۷۲۹)

برخی از تشبیهات نوآورانه ایرج جنبه هزل و مطایبه دارند:

شمع گفتن بر او کمی لوس است/کو شکم‌گنده همچو فانوس است(همان:۱۴۵۸)

نه پلیسی که کله اش چو کدوست/آن پلیسی که مثل برگ هلوست(همان:۱۴۷۶)

برخی از تشبیه های خلاقانه ایرج، از گروه اضافه های تشبیهی هستند:

دگر باره مهار از دست در رفت/مرا **دیگ سخن** جوشید و سر رفت(همان:۲۴۹)

موتورِ نامیه از کار افتد/**ترنِ رشد** ز رفتار افتد(همان:۱۱۸۶)

و همچنین برخی از تشبیهات مرکب:

باشد کچلی نهان به فرقت/چون نشوه که مضمرست در بنگ(قصاید:۵۴۴)

ناگه ز دل غنچه برون آمد برف/چون از دهن ملیح حرف خنکی(رباعی شماره ۹)

●کنایه های ادبی

نوآوری ایرج در زمینه کنایه های ادبی به دو صورت جلوه گر شده است؛یکی کاربرد کنایه های عامیانه که در میان شاعران دوره مشروطه یک الگو و روش مشترک ادبی بوده و او نیز به وفور از آن ها بهره گرفته است: کجاست همت یک هیاتی ز پردگیان/که مردوار ز رخ پرده را **جواب کند**(قصاید:۱۸۷)

پشت چایی، چقی چند **به نافش بندم**/هم در آن لحظه منش واقف اسرار کنم(همان:۷۲۳)

چرا پا توی کفش ما گذاری؟/چرا دست از سر ما برنداری؟(مثنوی ها:۲۲۸)

درِ تجدید و تجدد وا شد/ادبیات **شلم شوربا شد**(همان:۱۰۸۳)

دسته دیگر نیز کنایه های خودساخته ایرج و حاصل خلاقیت ذهنی او هستند:

چو دیدم خیر، **بند لیفه سست است**/به دل گفتم که کار ما درست است(همان:۱۶۷)

ناف به پایین نبری دست را/**نشکنی از بی خردی بَست را**(همان:۶۹۷)

●استعاره های تازه

ز هم بدرد این **ابرهای تیره شب**/وثاق و کوچه پر از ماه و آفتاب کند(قصاید:۲۰۱):استعاره از شرایط نامطلوب اجتماع تو این کرم سیاست چیست داری؟/چرا پا بر دم **افعی** گذاری؟(مثنوی ها:۴۲۹):استعاره از قدرتمندان و حاکمان

۶-۲: نوآوری در حوزه بدیع(صنایع لفظی و معنوی)

در اشعار اولیه ایرج، حجم فراوانی از صنایع لفظی مانند تکرار، جناس و موازنه دیده می شود که این میزان، در سروده های نوگرایانه او کاهش محسوسی دارد.علت این امر، تحول زبانی و محتوای متفاوت این آثار است که امکان حضور این آرایه های کهنه و تقلیدی را از آن سلب می کند.البته ایرج همچنان به آرایه هایی نظیر جناس گرایش نشان داده است.او با بهره‌گیری از یک اصطلاح اداری و همچنین یک واژه جعلی و خودساخته، خلاقیت خاصی را در ساخت **جناس ناقص** نمایان کرده است:

گرچه در **مالیه** ام **حالیه** من/متاذی شده م از مالیه من(مثنوی ها:۱۲۰۵)

ایرج با کمک واژه های جدید و یا اصطلاحات فرهنگی و اجتماعی عصر و همچنین برخی کلمات فرنگی که در زبان فارسی مشابه لفظی دارند؛ **جناس های تام** خلاقانه ای ساخته است:

زنان در شهرها **چادرنشینند**/ولی **چادرنشینان** غیر اینند(همان:۲۱۸)

الهی می زد آواز تو را **سِن**/که دیگر کس نمی دیدت سر **سِن**(همان:۴۰۶)

در اشعار جدید ایرج، حجم آرایه های معنوی نسبتا بیشتر از صنایع لفظی است.در برخی از این صنایع نظیر ایهام، استخدام و ارسال مثل، نوآوری هایی وجود دارد.

●ایهام

از آن گویند گاهی لفظ قانون/که حرف آخر قانون بود **نون**(مثنوی ها:۴۵۴)

نشود منصرف از سیر فرنگ/این همان احمد **لاینصرف** است(قطعات:۱۰۳)

●ایهام تناسب

بتول**شور** به مجلس فکند با ویولن/قمر مطابق او در غنا شیرین بود(قصاید:۲۲۸)

●ایهام تضاد

بگو آن **عارف** عامی نما را/که گم گردی تو سوراخ دعا را(مثنوی ها:۸۶)

●استخدام

ایرج برخی از ضرب المثل ها و کنایه های عامیانه را به شیوه ای خلاقانه وارد شعرش کرده و آن ها را به صورت ایهام، هم‌ارز با سایر واژه ها و فضای بیرونی و عینی آن شعر قرار داده است.

بر لب سلطان نگذشته جواب/**از سر دلداده گذر کرد آب**(مثنوی ها:۱۳۰۴)

نشده از گل رویش سیراب/که فلک **دسته گلی داد به آب**(همان:۱۶۴۴)

●ارسال المثل

ایرج میرزا حجم قابل توجهی از مثل های عامیانه و امروزی عصر خود را در اشعارش منعکس کرده است که یکی از مصداق های نوگرایی ادبی به شمار می آید.

به حکم آنکه **ز دل ها بود به دل ها راه**/دل امیر ز سوز دل من است آگاه(قصاید:۹۲۶)

نمی دانی نظر بازی گناه است؟/**ز ما تا قبر چهار انگشت راه است؟**(مثنوی ها:۱۴۶)

چو **هم کاه از من و هم کاهدانم**/دلیل این همه خوردن ندانم(همان:۲۷۵)

مملکت باز **همان آش و همان کاسه** شود/سنگ ما لعل شود، لولو ما ماسه شود(ترکیب بند:۱۲)

۷.دیدگاه ایرج میرزا درباره نوآوری و تجدد ادبی

ایرج در اشعارش به طور جزئی، بحث تحول و نوگرایی در شعر را پیش کشیده و مثنوی *((انقلاب ادبی))* گواه این موضوع است.از ظاهر ابیات این سروده ممکن است چنین برداشت شود که او شاعری بسیار کهن‌گرا و مخالف سنت‌شکنی و روش های متجددانه ادبی بوده است:

انقلاب ادبی محکم شد/فارسی با عربی توام شد
درِ تجدید و تجدد وا شد/ادبیات شلم شوربا شد
تا شد از شعر برون وزن و روی/یافت کاخ ادبیات نوی
می کنم قافیه ها را پس و پیش/تا شوم نابغه دوره خویش(مثنوی ها:۵-۱۰۸۲)

آنچه که از این ابیات ایرج برداشت می شود؛ دلخوری و نارضایتی او از دگرگونی وزن و قافیه در اشعار برخی چهره های جوان و نوگرای ادبیات است.البته او در اینجا صرفا با شکستن چارچوب های کلی شعر و عمدتا تغییرات وزن و قافیه مخالفت می کندو نه با دگرگونی زبان و محتوای شعر؛که خود در آن ها سرآمد بوده.

تحولات پرشتاب عصر مشروطه، اهالی هنر و ادبیات را در میان سنت و تجددسرگردان ساخته بود.ایرج نیز از این امر مستثنا نبود و به همین جهت بر خلاف تمام نوگرایی هایی که در شعر خود نشان داده بود؛ تمایل داشت تا همچنان بر پیروی از الگوهای کلاسیک ادبی پافشاری کند.ایرج همچون بهار و دیگر ادیبان نامدار عصر خود، نگران اصالت و سلامت شعر فارسی بود و با رد کردن برخی از گرایش های ادبی جوانان، در مقام یک شاعر پیشکسوت فخرفروشی می کرد:

این جوانان که تجددطلبند/راستی دشمن علم و ادبند(مثنوی ها:۱۰۹۴)
بچه های زمانه رند شدند/بی ثمر دان تو ژاژخایی را...
به پشیزی نمی کنند حساب/شعر خاقانی و سنایی را(قطعات:۷۳-۶۸)

ایرج از اهمیت سنت‌گریزی ها و سبک تازه اش اطلاع کامل داشته.او در ادامه ابیات فوق چنین آورده است:

همه گویند که من استادم/در سخن داد تجدد دادم(مثنوی ها:۱۰۸۷)
شاعری طبع روان می خواهد/نه معانی، نه بیان می خواهد(همان:۱۰۹۶)

این ابیات، باور عمیق ایرج را به اهمیت شعر روان و مردمی و مطابق با معیارهای زمانه، ثابت می کند.گویا او هر اندازه که بر حفاظت از چارچوب وزنی و اصالت قافیه اصرار داشته؛

برعکس در زمینه زبان و بیان و همچنین درون مایه و محتوای شعر، به آشنایی‌زدایی و نوسازی تمایل نشان می داد.ترجیح معنای شعر بر فرم و صورت بیرونی آن، رهاورد تحول شعر اوست.به نظر می رسدکه ایرج مایل بوده در نزد عموم، هم به عنوان شاعری کاملا اصیل و مسلط بر ادبیات کهن و هم به عنوان یک چهره ادبی خلاق و جسور شناخته شود.

نتیجه گیری

شعر ایران در عصر مشروطه دچار تحولی عظیم شد و به سوی مدرنیسم حرکت کرد ؛ شاعران مشروطه هر یک با نوآوری های مخصوص به خود، در این تحول سهیم بوده اند.در این میان نقش ایرج میرزا به عنوان شاعری نوگرا، بسیار بارز و قابل توجه است.دگرگونی شعر او نخست در ساحت محتوا ظاهر می شود که شامل مضامین جدید سیاسی و اجتماعی و انتقادهای فرهنگی است.این تحول پس از محتوا، به حوزه فرم و ساختار زبان نفوذ می کند.نوآوری های ایرج میرزا در حوزه زبان شعر بسیار گسترده تر از محتواست.این موضوع با تحلیل دقیق الفاظ و واژگان و نحو روان و عامیانه اشعار او به اثبات می رسد.این مقاله با نگاهی فرمالیستی و مقدم شمردن زبان بر محتوای شعر، به تحلیل مهمترین شاخصه های خلاقیت و نوآوری در آثار ایرج میرزا پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نوآوری در ساحت زبانی شعر ایرج میرزا به شیوه های مختلفی روی داده است: نخست، کاربرد کلمه های جدید و واژه های خارجی(بیشتر فرانسوی)و به کارگیری زبان عامیانه و محاوره ای و روان و ساده کردن زبان شعر و دوم،ابداع صفت های فاعلی خلاقانه،کلمه ها و فعل های جعلی از زبان عربی و وام-واژه ها و ترکیب های دوریشه ای است.

اشعار ایرج از نظر بلاغت و آرایه های ادبی نیز عرصه نوآوری و خلاقیت این شاعر است و تشبیه ها، استعاره ها و کنایه های تازه و نویی در آن ها مشاهده می شود.ایرج از نخستین چهره هایی است که شعر و ادبیات کودک را به مفهوم مدرن و معاصر آن، وارد آثارش می کند. برخی از مشهورترین اشعار نوگرایانه او، در این حوزه قرار می گیرند .

منابع

آجودانی، ماشاالله، ۱۳۸۱،یا مرگ یا تجدد،چاپ اول،تهران:اختران.
آرین پور،یحیی،۱۳۸۷،از صبا تا نیما،جلد دوم،چاپ نهم،تهران:زوار.
اسدی،فهیمه.۱۳۹۴.*«دلایل اجتماعی گرایش ایرج میرزا به ادب غنایی».مجله شعر پژوهی دانشگاه شیراز*.شماره ۲۴.ص ۲۵-۵۰.
اسفندیاری پور،زهرا؛خاتمی، احمد.۱۳۹۷.*«میزان و چگونگی استفاده از اصطلاحات عامیانه و کنایات در شعر دوره قاجار(با تکیه بر ایرج میرزا)».*ادبیات و زبان ها:سبک شناسی نظم و نثر فارسی.شماره ۴۰.ص ۶۵-۸۶.
امین پور،قیصر، ۱۳۹۰،سنت و نوآوری در شعر معاصر،چاپ چهارم،تهران:علمی و فرهنگی.
باستید،روژه،۱۳۷۴،هنر و جامعه،ترجمه غفار حسینی،چاپ اول،تهران:توس.
حائری، سید هادی،۱۳۶۸، افکار و آثار ایرج،چاپ چهارم، تهران:جاویدان.
حائری،سیدهادی، ۱۳۷۰،گنجینه ذوق و هنر ایرج،چاپ اول،تهران:نشر جوان.
حسن لی،کاووس،۱۳۹۶،گونه های نوآوری در شعر معاصر ایران،چاپ چهارم،تهران:ثالث.
دهباشی،علی،۱۳۸۷،سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا، چاپ اول،تهران:اختران.
رحیم بیگی،ساناز؛غلامحسین زاده،غلامحسین؛طاهری،قدرت الله. ۱۳۹۰. *«بررسی مشخصه های زبان گفتاری در جریان های شعری معاصر از دوره مشروطه تا شعر جنگ».*ادبیات و زبان ها:متن پژوهی ادبی.شماره ۴۷.ص ۹-۳۸.
شاهین دژی، شهریار، ۱۳۹۱،نام آور ناشناخته:نقد و تحلیل گزیده اشعار ایرج میرزا،چاپ اول،تهران:سخن.
شفیعی کدکنی،محمدرضا،۱۳۸۷،ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت،چاپ پنجم،تهران:سخن.
شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۹۰،با چراغ و آینه:در جستجوی ریشه های تحول شعر معاصر ایران،چاپ دوم،تهران:سخن.
صارمی،سهیلا.۱۳۸۶.*«کارکرد زبان در شعرایرج میرزا».زبان و زبان شناسی*.دوره سوم.شماره ۶.ص ۸۳-۱۰۲.
صدری نیا،باقر.۱۳۷۷.*«چند و چون وطن خواهی در شعر ایرج میرزا».*فصلنامه هنر.شماره ۳۶.ص ۲۶-۳۸.
فتوحی، محمود، ۱۳۹۰، سبک شناسی:نظریه ها، رویکرد ها و روش ها،تهران:سخن.
کریمی حکاک،احمد،۱۳۹۴،ترجمه مسعود جعفری،طلیعه تجدد در شعر فارسی،چاپ سوم،تهران:مروارید.
کمرپشتی،عارف؛سلیمان پور،مریم.۱۳۹۶.*«مولفه های زبان عامه در منظومه های زهره و منوچهر و ایرج و هوبره».*دوماهانه فرهنگ و ادبیات عامه.سال ۵.شماره ۱۸.ص ۲۰۷-۲۳۲.

محجوب،محمدجعفر،۱۳۵۶،تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او،چاپ چهارم،تهران:گلشن.

مختاری،محمد،۱۳۷۹،اسطوره زال،چاپ اول،تهران:توس.

ناتل خانلری،پرویز،۱۳۶۵،تاریخ زبان فارسی، چاپ جدید، تهران:نشر نو.

نادرپور،نادر.۱۳۵۲.*«ایرج میرزا: نام آور ناشناخته».نشریه سخن*.شماره ۲۳.

وحیدا،فریدون.۱۳۸۸.*«راه یابی واژه های خارجی به زبان و شعر فارسی در عصر انقلاب مشروطه».پژوهش نامه ادبیات تعلیمی(پژوهش نامه زبان و ادبیات فارسی)*.دوره اول.شماره ۳.ص ۱-۲۰.

ولک، رنه؛ وارن ، اوستین، ۱۳۹۰، نظریه ادبیات، ترجمه ضیا موحد و پرویز مهاجر،چاپ سوم، تهران:نیلوفر.

یوسفی،غلامحسین، ۱۳۸۸، چشمه روشن:دیداری با شاعران، چاپ دوازدهم، تهران:علمی.

Sources and references

۱- Ajoudani, Mashallah, ۲۰۰۲, or death or modernity, first edition, Tehran: Akhtaran.

۲- Arianpour, Yahya, ۲۰۰۸, From Saba to Nima, Vol ۲, Ninth Edition, Tehran: Zavar.

۳- Asadi, Fahimeh.۲۰۱۵. "Social reasons for Iraj Mirza's tendency to lyrical literature". Journal of Poetry Studies of Shiraz University. No. ۲٤. pp. ۲٥-٥۰.

٤- Esfandiaripour, Zahra; Khatami, Ahmad.۲۰۱۸. "The extent and manner of using slang terms and allusions in the poetry of the Qajar period (based on Iraj Mirza)". Literature and languages: Stylistics of Persian poetry and prose. No. ٤۰. pp. ٦٥-۸٦.

٥- Aminpour, Qaisar, ۲۰۱۱, Tradition and Innovation in Contemporary Poetry, Fourth Edition, Tehran: Elmi farhangi.

٦- Bastid, Rojeh, ۱۹۹٥, Art and Society, translated by Ghaffar Hosseini, first edition, Tehran: Toos.

۷- Haeri, Seyed Hadi, ۱۹۸۹, Iraj's thoughts and works, fourth edition, Tehran: Javidan.

۸- Haeri, Seyed Hadi, ۱۹۹۱, The Treasure of Taste and Art of Iraj, First Edition, Tehran:Javan.

۹- Hassan Lee, Kavous, ۲۰۱۷, Types of Innovation in Contemporary Persian Poetry, Fourth Edition, Tehran: Saless publishing.

۱۰- Dehbashi, Ali, ۲۰۰۸,collected articles on the life and poetry of Iraj Mirza, First Edition, Tehran: Akhtaran.

۱۱- Rahim Beigi, Sanaz; Gholam Hosseinzadeh, Gholam Hossein; Taheri, Ghodratullah.۲۰۱۱. "Study of the characteristics of spoken language in contemporary poetic currents from the constitutional period to the poetry of war". Literature and languages: literary textual research. No. ٤٧. pp. ۹-۳۸.
۱۲- Shahin Deji, Shahriyar, ۲۰۱۲, Unknown Name: Critique and Analysis of Selected Poems of Iraj Mirza, First Edition, Tehran: Sokhan.
۱۳- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza, ۲۰۰۸, Periods of Persian poetry from constitutionalism to the fall of the monarchy, fifth edition, Tehran: Sokhan.
۱٤- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza, ۲۰۱۱, with lights and mirrors: In search of the roots of the evolution of contemporary Iranian poetry, second edition, Tehran: Sokhan.
۱٥- Saremi, Soheila. ۲۰۰۷."The function of language in the poems of Iraj Mirza". Language and linguistics. Vol. ۳. No. ٦. pp. ۸۳-۱۰۲.
۱٦- Sadri Nia, Baqher.۱۹۹۸. "The manners of patriotism in the poetry of Iraj Mirza". Art Quarterly. No. ۳٦, pp. ۲٦-۳۸.
۱۷- Fotouhi, Mahmoud, ۲۰۱۱, Stylistics: Theories, Approaches and Methods, Tehran: Sokhan.
۱۸- Karimi Hakkak, Ahmad, ۲۰۱٥, translated by Massoud Jafari, Recasting Persian poetry;Scenarios of poetic modernity in Iran, third edition, Tehran: Morvarid.
۱۹- Kamarposhti, Aref; Soleimanpour, Maryam.۲۰۱۷. "Components of colloquial language in Zohreh and Manouchehr, Iraj and Hubreh". Bi-monthly of popular culture and literature. Year ٥. No. ۱۸. pp. ۲۰۷-۲۳۲.
۲۰- Mahjoub, Mohammad Jafar, ۱۹۷۷, research on the condition, works, thoughts and poems of Iraj Mirza and his family and ancestors, fourth edition, Tehran: Golshan.
۲۱- Mokhtari, Mohammad, ۲۰۰۰, The Myth of Zal, first edition, Tehran: Toos.
۲۲- Natel Khanlari, Parviz, ۱۹۸٦, History of Persian Language, New Edition, Tehran: Nashrenow Publishing.
۲۳- Naderpour, Nader.۱۹۷۳. "Iraj Mirza: Unknown name". Sokhan. No.۲۳
۲٤- Vahida, Fereydoun.۲۰۰۹. "Finding foreign words in Persian language and poetry in the era of the Constitutional Revolution". Research

literature book (Persian language and literature research paper). Vol.۱.No.۳.pp.۱-۲۰

۲۵- Wellek, René; Warien, Austin, ۲۰۱۱, Theory of literaure, translated by Zia Movahed and Parviz Mohajer, third edition, Tehran: Niloufar.

۲۶- Yousefi, Gholam Hossein, ۲۰۰۹, Cheshmeh Roshan: A Meeting with Poets, Twelfth Edition, Tehran: Elmi.